

چالش‌های حقوق روستائیان در آب کشاورزی (با نگاهی به پروژه آب کشاورزی روستای برمامیون در استان کهگیلویه و بویراحمد)

نوربخش ریاحی^{*۱}

چکیده

بعد از خانواده، روستا بااهمیت‌ترین کانون زندگی، شالوده اجتماع و مرکز فعالیت‌ها و تولیدات کشاورزی است. کشور ما متکی بر تولیدات کشاورزی است و کشاورزی حق یا ارزش اساسی برای روستائیان ایجاد می‌کند. بنابراین روستائیان در حق بهره‌برداری از آب کشاورزی پیش از همه و بیش از همه در اولویت و استحقاق می‌باشند. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و در موارد جزئی به صورت پیمایشی با این هدف صورت گرفته است که آیا حقوق روستا و روستائیان در آب کشاورزی از جایگاه علمی، منطقی، غیرمقطعی و عادلانه برخوردار است؟ نتیجه کلی تحقیق این است که در وضع حاضر، حقوق روستائیان در آب کشاورزی از مبانی و سیاست‌های متعارضی رنج می‌برد و قوانین عرفی و شرعی روشنی آن را پشتیبانی نمی‌کند. در نتیجه حقوق روستائیان بر آب کشاورزی نظام‌مند و هدف‌دار نیست. پروژه ملی آب کشاورزی روستای برمامیون نیز در گرو سیاست آبی دولت و وعده‌های انتخاباتی است. راهکار این مقاله در وهله نخست، ایجاد قانون جامع نظام اختصاصی آب کشاورزی روستاها، در وهله بعدی دموکراتیزه کردن نظام اداری ایران یعنی انتخاب، نظارت و عزل مدیران و رؤسای ادارات مختلف محلی به وسیله جامعه نخبگان منتخب مردم محل است.

واژه‌های کلیدی: حقوق آب، سیاست دولت، روستای برمامیون، مالکیت اراضی.

مقدمه

پدیده‌ها را برای انسان آفریده است. پس برخی می‌گویند «انسان حق دارد زمین و تمامی موجودات آن را تسخیر کند» (احمدیان، ۱۳۹۶)؛ یعنی به نظر می‌رسد دام‌ها و طیور در روستا مستقلاً حقی بر آب آشامیدنی ندارند. لیکن بر پایه آیه ۱۰ سوره نحل که می‌فرماید خداوند از آسمان آبی فرود آورد تا رمه‌های خود را از آن سیراب کنید، شاید این حق، مستقل به نظر می‌رسد. لیکن درباره حق خود روستائیان بر آب آشامیدنی گفتنی است که دست کم از سال ۱۳۷۶ طبق قوانین بودجه سالانه و از سال ۱۳۸۵ نیز بودجه مخصوصی به آب شرب روستاها اختصاص داده شد اما روستای مورد مطالعه (روستای برمامیون در استان کهگیلویه و بویراحمد، شهرستان باشت، دهستان بابویی، منطقه خان احمد) از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ از حق بر آب آشامیدنی در مضیقه بود تا اینکه پس از اعتراضات مکرر اهالی، سرانجام به این مشکل رسیدگی شد. ظرفیت محدود و موضوع مقاله بیش از این درباره حق بر آب آشامیدنی مجال نمی‌دهد؛ اما حقوق روستا و روستائیان بر آب کشاورزی موضوع حقوق شهروندی است. تمیز حقوق بشر از حقوق شهروندی نیز هدف این مقاله نیست ولی به طور اجمال طبق مقررات حقوق شهروندی ایران، غیر از اتباع ایران کسی به شهروندی در کشور ما پذیرفته نمی‌شود؛ بنابراین افغانی در مثال بالا در اینجا دیگر حقی بر آب کشاورزی ندارد و لو اینکه مالک

در بحث استحقاق روستائیان و اراضی کشاورزی آنان از آب‌های عمومی کشور می‌توان از ۱. آب آشامیدنی ۲. آب کشاورزی ۳. سیاست دولت در بهره‌برداری از آب‌های عمومی ۴. دیدگاه‌ها و مبانی حقوقی حاکم بر آب ۵. حق مالکیت بر اراضی کشاورزی در روستا به تفصیل سخن گفت. آب آشامیدنی، مقدار و کیفیت آبی است که صرف آشامیدن و بهداشت فردی در روستا می‌شود. این آب عمدتاً موضوع حقوق بشر است. به طور مثال، یک افغانی در ایران، بسان یک ایرانی، حق برابر بر آب آشامیدنی دارد. چراکه هر دو بشر هستند و بر حیات و سلامت انسانی حق برابر دارند. از منظر بین‌المللی اما حق دسترسی به آب آشامیدنی، مزارع (مثل باغچه خانگی) و حیوانات اهلی روستا را در بر نمی‌گیرد ولی معلوم است که زندگی در روستا وابسته به اینهاست. در آیه ۲۹ سوره بقره آمده است که خداوند همه

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد شیراز، کارشناس اجرای اسناد رسمی گچساران، ایران
(نویسنده مسئول: n_riahy@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۶

نویسندگان کشورمان به اهمیت آب‌های عمومی، درباره چالش‌های حقوق روستائیان بر آب کشاورزی تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است که هدف مقاله حاضر، نقد و بررسی این موضوع در مدیریت آب کشاورزی است.

۱. از آنجاکه مطابق آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۱ قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی ۱۳۸۶ آب کشاورزی عبارت است از آب موردنیاز برای مصارف کشاورزی شامل زراعت، باغبانی، دام، طیور، آبخیزداری، بیابان‌زدایی، شیلات، آبریزپروری، صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی و از آنجاکه همین آیین‌نامه می‌نویسد آب مصرفی کشاورزی عبارت از مقدار آبی است که بر اساس الگوی مصرفی کشاورزی بر اساس قانون توزیع عادلانه آب به مصرف اراضی زراعی می‌رسد، پس ضرورت انجام این تحقیق به این است که ۱. اگر حق بر آب کشاورزی، «شهروند محور» باشد، روستائیان که دامدار و صاحب سایر فعالیت‌های کشاورزی می‌باشند ولی زمین کشاورزی ندارند، بر آب کشاورزی استحقاق دارند.

۲. اگر حق بر آب کشاورزی، «مالک محور» باشد، آب متعلق به مالکان زمین‌دار است نه خود زمین. پس مالکان بر آب کشاورزی حق برابر دارند ولی روستائیان بی زمین از حقه آب کشاورزی محروم خواهند بود.

۳. اگر حق بر آب کشاورزی، «زمین محور» باشد، حقه آب کشاورزی، حق زمین است نه مالک زمین؛ یعنی آن کس زمین بیشتری دارد حق بیشتری خواهد داشت. تفکر زمین محور، صرفاً به فواید و عواید مادی زمین چشم دوخته و به عارضه طبقاتی شدن جامعه و طغیان ثروت که عامل تخریب برادری و برابری است توجهی ندارد.

۴. اگر حق بر آب کشاورزی، «روستا محور» باشد، یک بعد حقه آب کشاورزی مبتنی بر حق روستا در توسعه و آبادانی است و لذا همه اهالی روستا اعم از زمین‌دار، دامدار و غیره بر آب کشاورزی مستحق‌اند. بعد دیگر حقه آب کشاورزی این است که روستا بودن فی‌نفسه استحقاقی برای آب کشاورزی ایجاد نمی‌کند بلکه بایستی مستعد اراضی بادوام کشاورزی باشد. مثلاً زمینی که در خطر کاربری به غیر کشاورزی است، استحقاق حقه آب کشاورزی ندارد.

۵. اگر حق بر آب کشاورزی، «دولت‌محور» باشد، دولت می‌تواند به اقتضای منافع خاص و نه بر مبنای مصلحت و معیشت مردم رفتار کند. مثلاً توجه دولت به طرح‌های خاص‌المنفعه باشد یا آب کشاورزی را بفروشد. از مجوزهای بهره‌برداری سوء‌استفاده نماید و به هر شکلی که دلخواه دولت بود تصمیم بگیرد. به‌طور مثال «آقای احمدی‌نژاد دستور داد مردم چهارمحال و بختیاری از آب بهشت‌آباد

زمینی در روستا باشد. پس حقوق آب کشاورزی ناظر به حقوق روستا شهروندان ایرانی است. باید دانست که همسان آب کشاورزی، خود روستا مفهوم پراهمیتی است. روستا تجلی یکجانشینی و تمدن در برابر تفرق و بادیه‌نشینی است. قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری ۱۳۶۲ می‌گوید روستا واحد مبدأ تقسیمات کشوری است که حداقل تعداد ۲۰ خانوار در آنجا سکونت داشته و در عرف، آبادی یا قریه نامیده می‌شود. پس روستا شالوده اجتماع و هسته مرکزی قانون زندگی است. از این رو، روستائیان حقوق مهمی از قبیل حق دسترسی به اطلاعات آب کشاورزی، حق برابری بر منابع طبیعی، حق بر توسعه و آبادانی زمین و سایر حقوق دیگر دارند که این حقوق، درگرو دسترسی آنان به منابع آب‌های عمومی است. لیکن بهره‌برداری آب‌های عمومی بایستی بر یک دیدگاه مشخص و مبنای قانونی روشنی متکی باشد. همچنین حقوق یادشده وابسته به شفافیت نظام مالکیت بر اراضی کشاورزی و اعمال سیاست‌های عالمانه و منطقی دولت است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱) در تحقیق خود آورده است در مدیریت منابع آب ایران، سازمان‌های زیادی با منافع متناقض حاکم هستند و بایستی نظام اداری در این راستا متحول شود. نروزی (۱۳۹۷) می‌گوید برخی آب‌زاینده‌رود را از انفال دانسته و دولت را مجاز می‌دانند تا بر اساس تشخیص خود با آن برخورد کند ولی آب‌زاینده‌رود از دایره انفال یا اموال دولتی خارج می‌باشد و بخشی از آن متعلق به حقه‌داران است. احمدی و بدیسار (۱۳۹۵) آورده‌اند در صورتی حق بر آب با چالش مواجه شود بسیاری از حقوق بشر، مثل حق سلامت، حق تعیین سرنوشت، حق بر کشاورزی با چالش روبرو خواهد شد و هرچند در نظام حقوقی ایران مقرر صریحی در خصوص حق بر آب آشامیدنی سالم وجود ندارد اما از عمومات قوانین می‌توان نتیجه گرفت دولت موظف به تأمین آب آشامیدنی است. فریادی (۱۳۹۷) می‌نویسد یکی از چالش‌های حقوق آب در ایران الزام مصرف‌کننده به استفاده معقول آب است. پس دولت می‌تواند با توسل به برخی اصول مهم حقوق عمومی مانند اصل برابری، منفعت عمومی، خدمات عمومی و امنیت حقوقی الزامات سخت‌گیرانه‌ای بر نحوه مصرف آب در بخش‌های مختلف اعمال کند و فروش و توزیع آن را منوط به اصلاحات اساسی در فرایند مصرف در این بخش‌ها سازد. بیات و همکاران (۱۳۹۴) می‌گویند بحران آب به مدیریت منابع آب برمی‌گردد. پس برای افزایش کارایی و امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری در منابع آبی، وجود قوانین شفاف و لازم‌الاجرای آب و بازنگری آن در طول زمان ضروری به نظر می‌رسد. ولی در یک جمع‌بندی می‌توان گفت علی‌رغم اهمیت

پیگیری مدیرکل وقت آب منطقه‌ای در سال ۱۳۹۱ طرح پمپاژ، ملی اعلام گردید اما باز به دلیل کمبود بودجه، متوقف ماند و حدود ۷ کیلومتر از طرح قبلاً لوله‌گذاری شده بود که به دلایل ناگفتنی، غیر-قابل استفاده گردید». او براساس دست‌نوشته‌های خود افزود «در سال ۱۳۴۸ منصورخان باشتی اقدام به حفر ۴ حلقه چاه در اراضی در دشت آبدلان نمود اما از سال ۱۳۶۰ تاکنون بیش از ۱۰۰ حلقه چاه نیمه عمیق در این منطقه ایجاد شده است. سطح زیرکشت فاز اول شامل ۱. پاکوه ۲۰۰ هکتار. ۲. ماهور باشت ۴۰۰ هکتار ۳. بید زرد ۵۰۰ هکتار ۳. سربیشه ۶۰۰ هکتار ۵. خربل ۵۶۰ هکتار ۶. سراب نیز ۹۴۰ هکتار. سطح زیر کشت فاز دوم شامل ۱. برادران تاجگردون ۵۰۰ هکتار ۲. تلخاب شیرین ۱۰۰۰ هکتار ۳. جهادآباد ۸۰۰ هکتار ۴. ناصرآباد ۶۰۰ هکتار ۵. پیر سبز ۲۰۰ هکتار ۶. اراضی در قالب شرکت‌های تعاونی واگذار شده به افراد متفرقه و عمدتاً صاحب نفوذ در شرق بهشت‌زهرها ۱۰۰۰ هکتار. ۷. سراب نیز ۳۰۰ هکتار ۸. هستکوه ۱۰۰ هکتار ۹. پشکان ۴۰۰ هکتار. فاز سوم هم مربوط به کلاغ نشین و خان احمدهاست که البته فاز دوم تاکنون آب‌رسانی نگردیده است».

روایت سوم، نقلی از اهالی خان احمدهاست که «قبل از طرح سیفونی پشت کوه و طرح پمپاژ پاکوه، در سال ۱۳۷۳ وعده مسئولین دولتی این بود که از مکان بالادست این رودخانه (پل بریم)، اراضی خان احمدها را تحت پوشش آبیاری قرار دهند و حتی تابلویی در همان سال در این مکان نصب گردید ولی درنهایت، طرح به فراموشی سپرده شد».

به گفته برخی اهالی، «فاز دوم طرح نیز قرار بود به موازات فاز اول به مناطق دیگری از امامزاده جعفریا دشت آبدلان (امامزاده جعفر ۲) اختصاص یابد و اراضی خان احمد باز به فراموشی سپرده شود ولی خان احمدی‌ها مانع این کار گردیده و بخشی از آب را به اراضی خود اختصاص دادند»؛ اما احدی از دست‌اندرکاران مدیریت امور آب گچساران اظهار داشت که «راضی برمامیون از ابتدا مشمول این طرح بوده است» و برخی اهالی برمامیون اظهار داشتند که «مسئولین مدیریت آب منطقه‌ای بارها به آن‌ها گفتند که به دلیل کمبود امکانات فنی و مالی و عدم پیش‌بینی این روستا در طرح اولیه، تنها ۱۵ هکتار از اراضی برمامیون مشمول طرح خواهد بود لذا اهالی برمامیون در محل فرمانداری باشت و مدیریت آب گچساران تجمع و اعتراض نمودند» که سرانجام در بحبوحه انتخابات یازدهم مجلس شورای اسلامی در حدود ۱۴۰ هکتار از اراضی برمامیون لوله‌گذاری شد و اهالی برمامیون به امید آنکه صدای پای آب را بشنوند، چشم به آینده این طرح و وعده‌های انتخاباتی آن دوخته‌اند.

برداشت کنند. آقای خاتمی این آب را به یزد انتقال داد و آقای روحانی بهره‌برداری از آب بهشت‌آباد را متوقف نمود (خاتمی و نوربخش، ۱۳۹۸).

۶. اگر حق بر آب کشاورزی، «مکان‌محور» یعنی فاصله دوری و نزدیکی زمین کشاورزی به منبع آب عمومی باشد، در این صورت حق اولویت و حق تقدم و چالش بالادستی و پایین‌دستی آب کشاورزی مطرح می‌باشد.

مواد و روش‌ها

این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و در موارد جزئی به صورت پیمایشی صورت گرفته است. در این خصوص، نگارنده در آبان ۱۳۹۸ به مدیریت آب گچساران حضوراً مراجعه ولی آن اداره، به دلیل حفاظت اطلاعات امنیتی و محیط‌زیستی از ارائه داده‌ها خودداری ورزید. تنها یکی از مشاوران طرح به اندکی اظهارات شفاهی اما نه‌چندان شفاف، اکتفا نمود که «فاز اول طرح پمپاژ آب از پاکوه (امامزاده جعفر ۱) در سال ۱۳۸۱ آغاز گردید و اراضی هدف شامل ۳۵۰۰ هکتار از زمین‌های کشاورزی پیرامون مناطق پاکوه، ماهور باشت، بیدزرد، خربل، سربیشه، امامزاده جعفر و سراب نیز بود. طرح تا سال ۱۳۸۵ متوقف و پیشرفتی نداشت ولی با تغییر کارفرما، از سال ۱۳۹۱ شروع و در سال ۱۳۹۴ به پایان رسید و هم‌اکنون تا ۵۰۰۰ هکتار ظرفیت آبرسانی دارد. فاز دوم طرح، موسوم به امامزاده جعفر (۲) در سال ۱۳۹۵، آغاز و لوله‌گذاری گردید و اراضی هدف شامل ۳۱۰۰ هکتار از زمین‌های کشاورزی علی‌آباد (کلاغ نشین) و روستاهای خان احمد غضنفری، گشتاسب، شیخ‌ها، آبکنارون، آهوروک، برمامیون و همچنین دشت آبدلان بوده و به اراضی بهشت‌زهرها و تلخاب شیرین محدود می‌گردد. طرح خان احمدها تا سال ۱۳۹۸ راکد ماند ولی از آبان ماه ۱۳۹۸ مجدداً از سرگرفته شده و تا ۴۰۰۰ هکتار ظرفیت آبرسانی دارد».

"سیفاله افراز" اهل گچساران اما بیان داشت «بنده، بانی طرح آبرسانی به دشت آبدلان در سال ۷۶ بودم. یک طرح سیفونی از "پشت کوه" خان احمد مطالعه گردید که نیاز به ۷ کیلومتر تونل داشت اما به خاطر ۱۶ میلیارد تومان هزینه با آن مخالفت گردید درحالی‌که معادل درآمد ده روز یکی از چاه‌های نفت گچساران بود که یک‌چهارم منابع ارزی کشور را تأمین می‌کند. طرح دیگر پمپاژ آب "پاکوه" خان احمد بود که ۵ میلیارد تومان هزینه داشت ولی این طرح هم ملی نگردید و به نتیجه نرسید. با روی کار آمدن دولت خاتمی طرح رها شد ولی یک سال قبل از پایان دولت احمدی‌نژاد، با

نتایج و بحث

سؤال تحقیق حاضر این است که آیا حقوق روستائیان در آب کشاورزی از جایگاه واقعی، علمی، منطقی و غیرمقطعی برخوردار است؟ فرضیه تحقیق این است که در وضع کنونی، حقوق روستائیان بر آب کشاورزی از مبانی حقوقی ضعیف و سیاست‌های متعارضی رنج می‌برد. ما در این تحقیق نشان می‌دهیم بهره‌برداری از آب کشاورزی در روستا از دیدگاه منسجم و علمی بهره‌برداری آب کشاورزی تبعیت نداشته و مبانی حقوقی یعنی مجموعه قوانین عرفی و شرعی روشنی آن را پشتیبانی نمی‌کند. تبیین نظام حقوق آب کشاورزی، خود مستلزم تعیین نظام مالکیت بر اراضی کشاورزی است اما نظام مالکیت بر اراضی کشاورزی مبتلا به اشکالاتی است و سیاست دولت در این باره نیز مقطعی و بعضاً حساب نشده است. در نتیجه، حقوق روستا و روستائیان بر آب کشاورزی نظام‌مند و هدف‌دار نیست. در پروژه ملی آبیاری روستای برمامیون هم در هر حال آنچه از سوابق طرح و از دل هر سه روایت یادشده برمی‌آید این است که شروع و پایان این طرح (۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸) هم‌زمان با آغاز و اتمام انتخابات دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی بوده است. نتیجتاً به نظر می‌رسد حقوق این روستا بر آب کشاورزی در گرو سیاست آتی دولت و وعده‌های انتخاباتی است. این نتایج و چالش‌ها به شرح زیر پیگیری می‌شود.

۱. چالش دیدگاه‌ها و مبانی بهره‌برداری از آب‌های عمومی

تنش بر سر استفاده از حقوق آب در سطح روستا، شهر و حوزه آبریز از چالش‌های کلیدی مطرح شده از سوی بانک جهانی به شمار می‌رود (رحیمی سوره، ۱۳۹۳). مبانی و دیدگاه‌های زیر، مبین این چالش‌ها است.

۱-۱. دیدگاه‌های بهره‌برداری از آب‌های عمومی

دیدگاه‌های متفاوتی درباره بهره‌برداری از آب‌های عمومی در کشور وجود دارد.

۱-۱-۱. دیدگاه عدم‌مداخله

تسلط انسان بر منابع آب موجب نابودی سفره‌های آب زیرزمینی و قحطی آب می‌شود. پس بایستی آب به گردش طبیعی خود در طبیعت و ورود به دریاها ادامه دهد.

۱-۱-۲. دیدگاه مصرف معقول

از کل آب‌های موجود در کره زمین کمتر از یک درصد آن به‌صورت آب شیرین قابل دسترسی است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱). بنابراین بایستی ملاک، بهره‌وری آب کشاورزی باشد. فکر محصول بیشتر از هر هکتار زمین غلط است

چون مصرف آب کشاورزی بیشتر می‌شود بلکه باید محصول بیشتر از هر قطره آب ملاک باشد (حیدری، ۱۳۹۳). مایکل تودارو اقتصاددان معروف کشورهای جهان سوم عقیده دارد که اگر قرار است توسعه روند مستمری داشته باشد، باید از مناطق روستایی و به‌طور اخص از بخش کشاورزی آغاز شود (مرسلی و دیگران، ۱۳۹۷).

۱-۱-۳. دیدگاه مالکیت خصوصی آب

در گذشته به دلیل وفور آب و ضعف اطلاعات، آب‌ها خصوصی بودند ولی امروزه افزایش جمعیت، کمبود آب، معیشت آیندگان، مصرف بی‌رویه، طبقاتی شدن جامعه و ده‌ها مسئله دیگر، ایده مالکیت خصوصی آب را کنار زده است. مثلاً «از سال ۱۹۰۳ به بعد، حقوق عرفی بریتانیا که می‌گوید صاحبان ملک صاحب هر آنچه درون زمینشان است، می‌باشند، در دادگاه رد شد» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱). در ایران در قوانین خصوصی آب، تاکنون تجدیدنظر اساسی نشده است.

۱-۱-۴. دیدگاه مالکیت عمومی آب

از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، نظام حقوقی منابع آب در همه کشورهای در حال تبدیل از حالت خصوصی به حالت عمومی بوده است (جعفری ندوشن، ۱۳۹۵).

۱-۱-۵. دیدگاه مجانی بودن آب

برخی تفکرات حقوقی نظیر مباحات در فقه و حقوق بشر در نظام بین‌الملل، اصولاً مخالف پولی کردن آب است. چنانچه در قانون آب کشور افغانستان آمده است که آب باید مجانی باشد.

۱-۱-۶. دیدگاه بازاری شدن آب

برخی دیگر، یکی از راهکارهای جلوگیری از مواجهه با بحران کم‌آبی را ایجاد بازار محلی آب و بلامانع بودن آن از نظر فقهی می‌دانند (صادقی و آسایش، ۱۳۹۵). قانون ۱۹۸۱ آب شیلی مقرر می‌دارد حقوق آب از مالکیت زمین جداسازی و مانند سایر اموال غیرمنقول می‌تواند آزادانه خریدوفروش شود (اندیشکده تدبیر آب ایران، ۱۳۹۶).

۱-۱-۷. دیدگاه مالکیت دولت

در برخی کشورها نظیر چین کمونیست، آب در مالکیت دولت است. «در بنگلادش مالکیت آب به‌وسیله دولت اداره می‌شود ولی به‌طور سنتی حقوق آب به کشاورزی تعلق دارد» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱). در ایران مالکیت آب اغلب در گرو سیاست دولت است.

۱-۱-۸. دیدگاه بحران حکمرانی

به عقیده بسیاری از کارشناسان، بحران جهانی آب در واقع بحران حکمرانی به شمار می‌آید نه بحران کمبود. کمبود آب اساساً حاصل

و عدم مالکیت دولت بر آن است. از بیان «هر قبیله‌ای آبشخور خود را می‌دانست»، نه خصوصی بودن و نه عمومی بودن آب، بلکه قاعده اختصاصی بودن آب روستا به ذهن متبادر می‌گردد زیرا قبیله نه فرد خصوصی است و نه جمع عمومی.

از آیه ۶ سوره هود که می‌فرماید «عرش خدا بر آب است» می‌توان به جاودانگی آب اشاره نمود. آیات ۱۸ مؤمنون و ۱۱ زخرف از فرود آب از آسمان «به اندازه کافی» و نگاهداری آن در زمین سخن می‌گویند. اندازه لازم، شاید دلالت بر کفایت سفره‌های آب زیرزمینی دارد. آیه ۲۷ سوره المرسلات از «کوه‌های مرتفع و آب گوارا» می‌گوید که شاید اشاره‌ای بر محل اکتشاف و ذخیره آب باشد. آیه ۲۱ سوره الزمر می‌نویسد خداوند «آب را به چشمه‌هایی که در زمین است راه داد. آنگاه به وسیله آن کشتزاری را که رنگ‌های آن گوناگون است بیرون می‌آورد». این آیه شاید توجهی به قنات و چشمه و اولویت آن برای آب کشاورزی دارد. همچنین آیه ۲۸ سوره قمر می‌فرماید «هرکدام را آب به نوبت خواهد بود» که دلالتی بر نظام آب نوبتی است. البته مطالب بالا تعبیرات شخصی نگارنده است و از منظر علم‌گرایان و مخالفان معجزه مردود می‌باشد. در هر حال تئوری بهره‌برداری آب کشاورزی در قرآن کریم محتاج به تفسیری روشن و عالمانه است.

۱-۲-۲. مبانی فقهی

به استناد حدیثی از امام صادق (ع) که پنج رود فرات، دجله، نیل مصر، مهران و نهر بلخ و کل دنیا را متعلق به امام می‌داند، بعضی فقها به انفال بودن آب‌های عمومی فتوی داده‌اند (کریمی، ۱۳۷۸) و پیامبر و ائمه انفال را هرکجا لازم می‌دانستند صرف می‌کردند (نوروزی، ۱۳۹۷)؛ اما شیخ طوسی آب‌های سطحی را انفال نمی‌داند و عده دیگری از فقها می‌گویند اگر آب در ملک کسی ایجاد شود، شخص مالک آب است اما اصل ملک، مال امام است (فراهانی فرد، ۱۳۸۵). در عین حال، قاعد من استخراج ماء فیهی له (هرکس آبی را استخراج کند از آن اوست) دلالت بر خصوصی بودن آب دارد. از طرفی از ظاهر الانفال لِّلَّهِ وَالرَّسُولِ می‌توان برداشت نمود که انفال (آب)، تنها ملک خدا و پیامبر است و قرآن بر تسری آن به امامان و ولی فقیه صراحتی ندارد؛ بنابراین فقه مالکیت بر آب، نظام‌مند نیست بلکه «نگاه فتوا محور در منابع طبیعی و چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها مشکلاتی را ایجاد کرده است» (فراهانی فرد، ۱۳۸۵).

۱-۲-۳. مبانی قانونی

مبانی قانونی عمدتاً شامل قانون اساسی، قانون برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و قوانین جاری است.

۱-۲-۳-۱. قانون اساسی

حاصل مدیریت بی‌کفایت، قوانین و نهادهای ناکارآمد می‌باشد. مثلاً ایران دارای ۹۱ رودخانه است (جمالی، ۱۳۹۶) ولی با بحران کم‌آبی مواجه است. «استفاده بیش‌ازحد از آب با بکارگیری فن‌آوری‌های پیشرفته نظیر سدهای بزرگ، چاه‌های عمیق، پمپ‌های قوی، ماشین‌آلات و کودهای شیمیایی عامل بحران آب می‌باشند و را حل خروج از بحران، دستیابی به فن‌آوری مناسب نظیر آب‌شیرین‌کن‌ها، آبیاری قطره‌ای، ذخیره‌سازی آب باران، کودهای مناسب و غیره است» (بلالی و همکاران، ۱۳۸۹).

۱-۱-۹. دیدگاه خاص

برخی به استناد آیه ۱۶ سوره جن که می‌فرماید اگر آدمیان و پریان بر راستای راه ماندگار بمانند، آب زیاد نصیب ایشان می‌گردانیم، بر این باورند که بحران آب نتیجه گناهان و ناسپاسی انسان است.

۱-۲. چالش مبانی دینی بهره‌برداری از آب‌های عمومی

مبانی دینی شامل شرع (قرآن کریم)، فقه شیعه و مجموعه قوانین و مقررات موجود است.

۱-۲-۱. مبانی شرعی (قرآن کریم)

آب، همدم هستی (آب‌وهوا)، الهه پاک (آناهیتا)، طلیعه زادن (آبستن) و مظهر زیستن (آب‌و خاک) است. آب، مایه اعتبار (آبرو)، پایه اجتماع (آبادی)، نمایه زندگی (آبان ماه) است. آب، عطر سرور (گلاب)، شوکت غرور (دریا)، قوت بینایی (اشک)، مرحم انسانی (آب‌درمانی) و جغرافیای خلق و خوست. آنجا که آب‌ها نیستند (بیابان)، تلخی و ناکامی است (الماء السراب) و آنجا که آبی هست نشان آبادانی و عمران است. در قرآن کریم هم بیش از صدبار به «آب» اشاره گردیده ولی درباره نظام حقوقی آب در قرآن تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. سوره الم آیه ۶۰ می‌فرماید «هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد، گفتیم با عصایت بر آن تخته‌سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت به گونه‌ای که هر قبیله‌ای آبشخور خود را می‌دانست و گفتیم از روزی خدا بخورید و بیاشامید ولی در زمین سر به فساد برمدارید». آیه راجع به معجزه است نه آب، ولی حسب تعبیر (مثل تعبیر خواب) و نه در مقام تفسیر می‌توان گفت تأمین آب، وظیفه دولت است (موسی). واژه «گفتیم» به تأسی از دستور و سیاست دولت (موسی) است. «با عصایت» اصل مجانی بودن آب و «تخته‌سنگ» را می‌توان به کشف آب در لایه‌های سخت زمین تشبیه داد. از عبارت «سر به فساد برمدارید» ملی بودن و توزیع عادلانه آب، دریافت می‌شود زیرا مصرف به‌خودی خود موجب فساد نمی‌شود مگر آنکه توزیع ناعادلانه آب موجب فقر و غنی شود. «روزی خدا بیاشامید» درباره حق مردم بر بهره‌برداری آب

متفاوت است و برخی هم مشاعات بین‌المللی را به این دلیل که کل دنیا متعلق به امام است جزو انفال می‌دانند (اسماعیلی و رحیمی، ۱۳۹۷). آیت‌الله طالقانی فئی را متعلق به امام ولی انفال را متعلق به عموم مسلمانان می‌داند (ملایی توانی، ۱۳۸۲). با توجه به تشتت این معانی به نظر می‌رسد از منظر قانون اساسی وضعیت مدیریت و مالکیت آب‌های عمومی روشن نیست؛ یعنی از طرفی مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی آب‌های عمومی به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت (مجریه) است و آن را در جهت منافع عمومی (منافع دنیوی) به کار می‌برد، از طرف دیگر مطابق اصل ۴۵ آب‌های عمومی به صورت مالکیت امام در اختیار حکومت اسلامی (ولی‌فقیه) است و آن را در جهت مصالح عمومی (منافع اخروی) به کار می‌گیرد. ۱-۲-۳-۲. قانون برنامه‌های توسعه

در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲) که ۳۰ سال پیش به تصویب رسید بر لزوم تجدیدنظر اساسی در مدیریت کشاورزی و استفاده معقول از منابع آب و اجرا و تکمیل طرح‌های آبیاری تأکید گردید. دولت مکلف شد نسبت به تأمین بودجه آب کشاورزی اقدام کند و اولویت را به طرح‌های اشتغالزا در بخش آب و کشاورزی بدهد. طبق قانون برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸) در شرایط کسری بودجه، تنها اعتباراتی که دولت نمی‌توانست کاهش دهد بودجه منابع آب و کشاورزی و منابع طبیعی بود. وزارت نیرو موظف گردید نسبت به تحویل آب در شبکه‌های آبیاری و چاه‌های عمیق و نیمه عمیق کشاورزی اقدام نماید. در قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، شناسایی تولید محصولات با نیاز آبی کمتر و بازدهی اقتصادی بیشتر، بهره‌برداری آب کشاورزی از طریق ایستگاه‌های پمپاژ و چاه‌های عمیق و نیمه عمیق با مشارکت کشاورزان، صدور اسناد مالکیت آب به حقایق داران، ساخت سدهای کوچک و بزرگ مخزنی و احداث تونل‌های آب و خروج آب از کشور در دستور کار قرار گرفت.

در قانون برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) دولت موظف گردید نسبت به تعادل سفره‌های آب زیرزمینی از طریق اصلاح مجوزهای بهره‌برداری در دشت‌های کشاورزی اقدام نماید. طرح‌های انتقال آب بین‌حوزه‌ای منوط به رعایت حقوق ذی‌نفعان و مشروط به توجیه فنی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی و منافع ملی گردید. در قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) وزارت نیرو موظف گردید از برداشت‌های غیرمجاز منابع آب زیرزمینی جلوگیری کند؛ اما صادرات آب به کشورهای منطقه مجاز شناخته شد. دولت مکلف گردید آب‌های سطحی و نزولات آسمانی را برای فصل‌های غیرزراعی مهار کند. در قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰)

واگذاری حق حیات ملت به دولت ممکن نیست، پس سپردن حق مالکیت آب به دولت، کاری نادرست است. پس طبق قانون اساسی (مثلاً اکراین و قبرس) آب‌های عمومی متعلق به مردم است. لیکن مالکیت آب‌های عمومی در قانون اساسی ما واضح نیست. طبق اصل ۴۴ آب‌های عمومی به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است و مالکیت بخش دولتی از یک طرف نباید از محدوده قوانین اسلام خارج شود و از طرف دیگر نباید مایه زیان جامعه گردد ولی بر مبنای اصل ۴۵ انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل آب‌های عمومی در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید.

مالکیت عمومی، مالکیت دولتی، انفال، دولت، حکومت اسلامی، زیان جامعه (منافع عمومی)، مصالح عمومی، ثروت‌های عمومی ۸ مفهوم با قالب حقوقی بهره‌برداری متفاوت می‌باشند که در این دو اصل آمده‌اند و این پرسش‌ها را مطرح می‌سازد که آیا مالکیت عمومی، مالکیت دولتی، مالکیت ولی‌فقیه به یک مفهوم است؟ آیا مصالح عمومی با منافع عمومی (عدم زیان جامعه) یکسان است؟ آیا انفال همان ثروت‌های عمومی است؟ آیا آب‌های عمومی جزو انفال-اند؟ آیا انفال در اختیار دولت (وزارت نیرو، شرکت آب منطقه‌ای و...) است یا در اختیار امام و ولی‌فقیه؟

مالکیت عمومی مانند مالکیت بر توپ فوتبال است. همه بازیکنان حق استفاده دارند ولی مال هیچ‌یک از آن‌ها نیست و ممکن است بعضی بازیکنان از آن استفاده ننمایند. مالکیت عمومی به مفهوم مالکیت مشاع که استفاده از آن منوط به رضایت همه مالکان باشد هم نیست ولی اگر بهره‌برداری غلط موجب صدمه به اصل مالکیت شود، ممنوع می‌گردد. پس دولت، ملت و امام، اختیاری بر فروش مالکیت عمومی ندارند چون میراث مشترک نسل‌های حاضر و آینده است. مالکیت دولتی اما مالکیتی است که دولت قادر به فروش آن است. مثل مزایده اموال دولتی. مالکیت امام، نوعی مالکیت شرعی است که تنها در اختیار امام مسلمین است. مثل مصرف وجوهات شرعی.

منافع عمومی غالباً مادی و دنیوی است (نظیر پارک یا بیمارستان) اما «مصالح عمومی در فقه شیعه در معانی متعددی از جمله حفظ نظام به کار می‌رود» (چلبی و دیگران، ۱۳۹۶ به نقل از عمید زنجانی) و در مقام تزامن حفظ نظام با حفظ معیشت مردم، حاکم اسلامی موظف است حفظ نظام را مقدم بدارد (مهوری، ۱۳۸۰). از نظر شورای نگهبان آب‌ها انفال نیستند بلکه از مشترکات عمومی هستند و در اختیار دولت؛ اما مشترکات عمومی با ثروت‌های عمومی (نوروزی، ۱۳۹۷ به نقل از مهرپور) و اموال عمومی هم

زمانی شهروندان اطلاعات موثقی ندارند قضاوت درستی نخواهند داشت. در سایه دسترسی به اطلاعات آب، اعتماد حاصل می‌شود. نمونه آن، قضیه فروش آب ایران به عراق در اهواز است که برخی آن را شایعه و عده‌ای حقیقت می‌پندارند. در امریکا بر اساس قانون، تمام سازمان‌های دولتی باید اسناد خود را به صورت الکترونیکی در دسترس عموم قرار دهند. کنگره امریکا در سال ۱۹۲۶ قانون دولت زیر نور خورشید را تصویب کرد که مقرر می‌دارد جلسات سازمان‌های اداری باید برای حضور مردم آزاد و علنی باشد (هداوند، ۱۳۹۴). در ایران اما به موجب قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد ۱۳۸۶ دولت فقط موظف است مقررات مرتبط با حقوق شهروندی نظیر زمان‌بندی انجام کارها و عوارض و حقوق دولت را در دیدارگاه‌های الکترونیک به اطلاع عموم مردم برساند و نه بیشتر. «دلایل مختلفی برای حق دسترسی به اطلاعات دولتی وجود دارد که بعضاً عبارت‌اند از بهبود کیفیت خدمات عمومی، مشارکت شهروندان، ارتقای سطح زندگی افراد و مبارزه با فساد دولتی» (رضایی زاده و احمدی، ۱۳۸۸). به طور مثال «در هند فساد اداری باعث کاهش کیفیت در احداث پروژه‌ها می‌شود و پیمانکاران با پرداخت رشوه، پروژه‌ها را جذب و با کیفیت نامناسب اجرا می‌کنند» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱). بنابراین مردم روستا حق دارند نظرات کارشناسان طرح و مقامات دولتی و دلایل و توجیهات حقوقی، فنی، اقتصادی و امثال آن را بشنوند؛ زیرا «تحقیقات نشان می‌دهد آگاهی مردم نسبت به مباحث تأمین آب و مشکلات پیش رو می‌تواند به مدیریت آب کمک شایانی کند» (قائمی، ۱۳۹۵). اهالی روستای برمابون حق دارند در جلسات، تصمیمات و اقدامات دولت درباره این طرح، شرکت جسته و بدانند استفاده آنان از آب کشاورزی، دائمی است یا موقت. تأمین آب کشاورزی مبتنی بر یافته‌های موثق علمی است یا کاری است موقت. نظام آبیاری فصلی است یا نوبتی و بسیاری پرسش‌های دیگر. لیکن اهالی روستا به دلیل بی‌اطلاعی از برنامه دولت، بعضاً متحمل خساراتی (عدم کشت معمول اراضی) هم شدند.

۲-۲. حق برابری در منابع طبیعی و منافع عمومی

وقتی از برابری داد سخن می‌گوییم، بلافاصله بایستی پرسید برابری در چه؟ زیرا می‌دانیم انسان‌ها به طور مثال در آب آشامیدنی باهم برابرند اما در استعدادهای ذاتی، نابرابرند. پس حق برابری در منابع طبیعی مع الفارق از حق برابری در منافع عمومی به نظر می‌رسد که در اینجا به طور فشرده بررسی می‌شوند.

۲-۱-۲. حق برابری در منابع طبیعی

در منابع طبیعی، حق برابری چه وضعی دارد؟ قرآن کریم می‌

دولت مکلف گردید در قالب بودجه سالانه حداقل ۸۵ هزینه طرح‌های آبیاری نوین را به صورت بلاعوض پرداخت نماید. برق‌دار کردن و نصب کنتور هوشمند بر روی چاه‌های کشاورزی دارای پروانه، تأمین حقابه کشاورزان و ارائه و تخصیص آب مطابق طرح الگوی کشت از دیگر اقدامات برنامه ششم بود. با این وجود قانون برنامه‌ها در رابطه با اصلاح قوانین خصوصی آب و در خصوص اولویت آب کشاورزی در روستاها ضابطه مشخصی ندارد.

۱-۳-۳. قوانین جاری

در ایران قوانین زیادی درباره آب وضع گردیده است اما اشکالات فراوانی برجای مانده که تنها به اندکی بسنده می‌شود. در قانون ملی شدن آب ۱۳۴۷ بالغ بر ۶۰ عنوان مفید در نحوه استفاده بهینه از آب‌ها وجود داشت که در قانون توزیع عادلانه ۱۳۶۱ غالب آن‌ها فراموش گردید. فروش آب کشاورزی مغایر شرع نیست ولی طبق قوانین منع تغییر کاربری اراضی کشاورزی، ممنوع است. «از علی (ع) نقل شده مسلمانی که زمینی را آباد کند باید مالیاتش را به پیشوایی از خاندان من بپردازد ولی هر چه از آن بهره‌برداری کند مال خود اوست» (بروجردی، ۱۳۹۲). امام می‌فرماید زمین و هر چه از آن بیرون می‌آید مال ماست و زمانی حضرت قائم ظهور کند زمین‌ها را از مسلمانان پس می‌گیرد (فراهانی فرد، ۱۳۸۵). بنابراین تکلیف آب‌بها، خمس و مالیات اراضی روشن نیست. البته «رویه کشورهای درحال توسعه از جمله پاکستان، غنا، عراق و ویتنام حمایت از کشاورزان از طریق پایین نگه داشتن آب‌بها و قیمت سایر نهاده‌های تولید است» (محمدی دینانی و دیگران، ۱۳۹۷). امروزه دولت‌های پیشرفته نه تنها از کشاورزان مالیات نمی‌گیرند بلکه به آن‌ها یارانه هم می‌دهند زیرا کشاورزی کاری پرزحمت و ریسک‌پذیر است. حسب قانون توزیع عادلانه آب، حتی آب‌های واقع در ملک خصوصی جزو ثروت عمومی است اما طبق قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه ۱۳۸۹ آب، خصوصی است. بنابراین قوانین جاری در مدیریت آب اراضی روستایی راهبرد مشخصی ندارد.

۲. چالش حق‌های شهروندی

شهروندان روستایی بر آب کشاورزی حقوقی دارند. در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود.

۱-۲. حق آگاهی و دسترسی به اطلاعات آب

در جهان مدرن، انسان محق جایگزین انسان مکلف گردیده است و آزادی بیان تنها بدان معنی نیست که حق داریم حرفمان شنیده شود بلکه حق داریم حرف دیگران را بشنویم (ایران‌منش، ۱۳۹۴). حق آگاهی بر اطلاعات، پیش‌شرط حق آزادی بیان است.

فرماید بگو جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی‌رسد (سوره توبه آیه ۵۱). ما وسایل معاش را در زندگی دنیا تقسیم کرده‌ایم و برخی را بالاتر از بعضی دیگر قرار داده‌ایم تا بعضی، بعضی دیگر را در خدمت گیرند (سوره زخرف آیه ۳۲). برخی تقدیرگراها ممکن است راضی بودن به وضع موجود و توزیع نابرابر منابع طبیعی را موافق حق سرنوشت دانسته و بگویند نعمت‌ها به‌طور طبیعی توسط خداوند توزیع شده و حق سرنوشت هرکس از قبل معین گردیده است. پس آن‌کس به رودخانه نزدیک است حق دارد و آن‌کس دور از آن است، بی‌حق است و کمک دولت به محرومان دوردست‌تر، از باب ترحم و انسان‌دوستی است؛ اما این چیزی جز کتمان حق سرنوشت نیست. قرآن کریم می‌فرماید خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا خود تغییر دهند (سوره رعد آیه ۱۱) و می‌فرماید در اموال ثروتمندان برای محرومان حقی است (سوره زاریات آیه ۱۹). پس خدمات دولت، از باب ترحم و تصدق نیست بلکه ناشی از حق برابری در منابع طبیعی است؛ زیرا «در سطح جهانی حداقل ۲۱۴ رودخانه وجود دارد که حوزه آبریز آن‌ها تنها در دو کشور یا بیشتر قرار دارد و می‌تواند صلح جهانی را به مخاطره اندازد» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱). پس منابع طبیعی، به‌طور طبیعی نا-عادلانه توزیع شده است و حق تعیین سرنوشت اقتضا می‌کند این وضع طبیعی ناخواسته تغییر یابد. حق اهالی بر مامیون بر رودخانه طبیعی نیز مصداق این برابری و تعیین سرنوشت است.

۲-۲-۲. حق برابری در منافع عمومی

گویند «برابری به این معناست که شهروندان در شرایط مشابه از حقوق یکسانی برخوردار می‌شوند» (ویژه، ۱۳۸۳). منظور از شرایط مشابه، شرایط طبیعی است (مثل استعدادهای ذاتی) زیرا شرایط غیرطبیعی را خود انسان بوجود می‌آورد. پس آن روی سکه برابری این است که شهروندان در شرایط طبیعی نامشابه از حقوق متفاوت برخوردار می‌شوند؛ اما این تفاوت تا کجا مقبول افتادنی است؟ منطقاً منافع عمومی عبارت است از بیشترین منفعت برای بیشترین اقشار جامعه، نه بیشترین منفعت برای کمترین افراد؛ اما به‌طور مثال، حقوق و مزایای فاحش برخی کارکنان شرکت ملی نفت گچساران (ملی یعنی متعلق به ملت) مثل منازل سازمانی ۳۰ سال رایگان، سیستم‌های مجهز سرمایشی و گرمایشی، بیمارستان مجانی، اشتراک رایگان آب و برق و گاز (اشتراک یعنی مشترک در منابع ملت)، سرویس رایگان حمل‌ونقل زمینی و هوایی، رستوران غذا با ژتون تقریباً بی‌بها، فروشگاه اختصاصی، استخر و... از یک سو و درآمدهای بخور و نمیر (به عبارتی نخور و بمیر) و کارهای سخت کشاورزان و دامداران روستایی از سوی دیگر، منشأ نقض مفهوم حق برابری در

منافع عمومی است. البته «هرکس به‌قدر لیاقت و استعداد» حق دارد و می‌دانیم توزیع استعداد و لیاقت بشر هم مثل منابع طبیعی، نا-مساوی بوده است. در نتیجه، پولداران به دلیل توانایی مالی، برنده هستند در مزایده‌های آنچنانی. ورزشکاران به دلیل استعداد ورزشی، وکلا، پزشکان، بازیگران، هنرمندان، مداحان به خاطر تخصص و استعداد، در فرصتی کوتاه از میلیون به میلیارد می‌رسند. اگر این است منطق لیاقت و استعداد، پس هر چه بر تخصص، لیاقت و استعدادها افزوده گردد بایستی بر طبل نابرابری‌ها افزود و هر که لیاقت‌مندتر و داناتر است باید نابرابری بیشتری ایجاد کند. در این صورت مواهب طبیعی نظیر اندام خوش، روی زیبا، سفیدی پوست، بلندی قد، زور بازو هم برای صاحبان خودش بایستی حقوقی ویژه ایجاد کند؛ اما چرا بابت استعداد زور بازوی کارگران و دهقانان، میلیاردها نمی‌دهند؟! پس معلوم است سوءاستفاده از نابرابری در استعداد، دلیل رواج نا-برابری‌ها و بیشترین منفعت برای کمترین اقشار جامعه است.

۲-۳. حق تقدم و حق اولویت

حقوق ایران تفاوت چندانی میان حق اولویت و حق تقدم قائل نیست اما افتراق این دو ضرورت دارد. تقدم به دو معنای قدم و مکان (نزدیک‌تر) و قدیم و زمان (قدیم‌تر) اشاره دارد و ملاک آن غالباً عینی است؛ یعنی صرف زمان و مکان کفایت می‌کند و ضرورتاً ناشی از شایستگی و استحقاق نمی‌باشد. حق اولویت اما به‌حق (حقدارتر) و سزاوارتر برمی‌گردد و ملاک آن عمدتاً ذهنی است (فرازمان، فرامکان). «شیخ طوسی آورده است هرکس زمینی را زودتر آباد ساخت متعلق به اوست» (نوروزی، ۱۳۹۷). برابر قانون توزیع عادلانه آب، پروانه آب با رعایت حق تقدم صادر می‌شود. بر اساس همین حق تقدم ۵۰ سال پیش منصورخان باشتی هم توانست با استفاده از قدرت سیاسی و تمکن مالی اقدام به حفر ۴ حلقه چاه در اراضی دشت آبدلان نموده و سفره‌های آب زیرزمینی را که سزاوارتر از او، اهالی روستای برمامیون و سایرین بوده‌اند زودتر از همه، تسخیر کند (تقدم زمانی). قابل‌فهم است که حق تقدم ریشه در تقدیرگرایی، نا-برابری، طغیان ثروت و طاغوت قدرت دارد. طبق قانون اصلاحات ارضی، یک شخص می‌تواند تا چند صد هکتار زمین داشته باشد. بر اساس حق تقدم، آب طبیعی و امکانات دولتی بایستی مصرف زمین‌هایی شود که به منابع آب نزدیک‌ترند (تقدم مکانی). پس گویا دولت بر اساس حق تقدم وظیفه دارد به طغیان ثروت، نظام طبقاتی، توسعه تبعیض‌آلود مدد رساند و به کسانی که دورتر از منابع طبیعی هستند یا دیرتر به امکانات دولتی می‌رسند، کمتر روی خوش‌نشان دهد مگر آنکه آب و امکانات دولت، از حق تقدم عبور کرده و به فقرای دوردست برسد. حق اولویت اما پیام دیگری دارد. مثلاً

(همایون، ۱۳۹۴). این قبیل نظریات چندان ارزش‌گرا نیست ولی آنچه مسلم است، جنبه‌های مشترک روستائینی از قبیل معیشت، مالکیت، اعتقادات و باورها، سطح زندگی، صمیمیت و عواطف و احساسات و روابط فامیلی، علائق و سلايق و خلق‌وخو، آداب‌ورسوم و فرهنگ، روش و منش و دانش و بینش، سطح توسعه و امکانات، تاریخ و خاطرات مشترک، میزان همبستگی و همدلی و همیاری، میزان جمعیت، زبان و فهم مشترک، معرف حق ریشه مکانی و حق احترام به تفکر روستایی است که در طرح آبیاری بایستی مورد توجه قرار گیرد. به‌طور مثال، دولت، در روستای برمامیون مسیری را کانال‌کشی و لوله‌گذاری نمود که بعداً مجبور گردید آن را به‌دلخواه روستا تغییر دهد.

۲-۵. حق بر تولیدات کشاورزی

کشاورزی به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد برای انسان به‌طور اعم و روستائیان به‌طور اخص حقی ایجاد می‌کند. «از پیامبر گرامی نقل شده است که زندگی جز با سه چیز دلپذیر نباشد؛ هوای پاک، آب گوارا، خاک حاصل خیز» (الحرانی، ۱۳۸۲) و انجمن بین‌المللی حقوق زمین، می‌گوید بدون زیست قابل سکونت، کلیه حقوق قابل حصول دیگر بی‌معناست (احمدی و بدیسار، ۱۳۹۵) که این هر سه در روستا دست‌یافتنی است. خداوند هم در آیه ۶۴ الواقعة می‌فرماید این مائیم که زراعت می‌کنیم نه شما؛ یعنی برخلاف صنعت که انسان‌ها مستقلاً قادر به خلق آن هستند اگر اراده و خلاقیت ما نباشد دانه کوچک بذر به گل و گیاهی که مایه سلامتی، زیبایی و رونق اقتصادی است تبدیل نخواهد شد. کشاورزی برخلاف صنعت، ایجاد آلودگی نمی‌کند و خار سر راه توسعه پایدار نیست. «نود درصد تولیدات کشاورزی در روستاها تولید می‌گردد و چنانکه می‌دانیم اقتصاد کشورهای جهان سوم از جمله کشور ما اغلب بر تولیدات کشاورزی متکی است. برای همین است مشکلات آینده جهان سوم اعم از بیکاری، فقر، کمبود درآمد، گرسنگی، کمبود تولید و غیره باید در روستاها حل‌وفصل گردد» (عسگری و محمودی، ۱۳۹۱)؛ زیرا زندگی در شهر اغلب مبتنی بر مصرف‌گرایی، مشاغل کاذب، بورس-بازی، تورم و گرانی، رانت‌خواری و تخریب اراضی کشاورزی و آلودگی هوا است. اصل ۴۳ قانون اساسی برافزایش تولیدات کشاورزی تأکید ورزیده است. پس کشاورزی، یک ارزش یا حق اساسی است. این در حالی است که طبق سالنامه‌های آماری تا سال ۱۳۹۵ حدود ۳۳ هزار روستا از سکنه خالی گردیده و در حدود ۱۱۴۳ شهر به شهرها اضافه شده و حدود ۴ هزار روستا در حریم شهرها واقع شده‌اند. همچنین متأسفانه بر اساس قانون ضوابط تقسیمات کشوری هر روستایی که جمعیت آن به ۳۵۰۰ نفر برسد می‌تواند

توپوگرافی یا شکل خارجی نشان آن دارد که روستای برمامیون در مرکز دایره آب‌های سطحی و زیرزمینی واقع بوده است. برمامیون مناسب‌ترین وجه تسمیه را چه در حق اولویت و چه در حق تقدم دارد. به نظر می‌رسد برمامیون مرکب از «برم، آب، میون» است. برم به فتح ب به معنای آبگیر، میون یا میان به معنای مکان است و برمامیون، مکانی است که در میان برم یا گنجینه‌ای از آب، غوطه‌ور بوده و از جهات اربعه غنی از آب‌های سطحی و زیرزمینی است. از غرب به دامنه کوه خامی، از شمال به ارتفاعات صول، سراپیز و کلگه امیرشخی، از شرق به رودخانه و پشت کوه خان احمد، از جنوب به کوه‌های کلک و جوجق و رزک محدود و منتهی است. دشت‌های پیرامون برمامیون یعنی دشت حاصل خیز باشت، دشت آبگیر آبدالان (دالان آب)، دشت امامزاده جعفر سال‌هاست که بر سفره آب‌های زیر-زمینی کوه‌های پیرامون برمامیون به تغذیه نشسته‌اند ولی دولت، دست‌حقدار اهالی این روستا را بر این خوان الهی نگشوده است. پس ملاک حق اولویت، فراختای زمین و مالکیت نیست و حق تقدم هم درباره آن دسته از اراضی است که رودخانه به‌طور طبیعی از کنار یا در داخل آن‌ها عبور می‌کند. ولی می‌دانیم رودخانه‌ای از دشت آبدالان، امامزاده جعفر و باشت نمی‌گذرد تا موجبات حق تقدم را برای آن اراضی فراهم کرده باشد بلکه هم به لحاظ حق تقدم مکانی و هم حق اولویت معطوف به خان احمدی‌هاست.

۲-۴. حق ریشه مکانی و احترام به تفکر روستایی

در جریان تصویب اصل ۳۱ قانون اساسی یکی از نمایندگان گفت وقتی روستائیان خانه و زمین و وسایل داشته باشند به‌طرف شهر سرازیر نمی‌شوند و زمین‌های کشاورزی خود را رها نمی‌کنند؛ اما نایب‌رئیس مجلس در نقد فلسفه امتیاز بخشیدن به روستائیان گفت علت مهاجرت روستایی به شهر، نبودن درآمد است. برخی دیگر مخالف در اولویت قرار دادن روستائیان بودند، به این دلیل که هیچ قشری از اقشار کم‌درآمد بردیگری حق اولویت ندارد (ورعی، ۱۳۹۸). از قرآن کریم نظر خاصی درباره تفاوت روستا از شهر استنباط نمی‌شود و در فقه هم در این باره مطلب روشنی به چشم نمی‌آید. لیکن برخی می‌نویسند «از منظر قرآن، مؤلفه اصلی برای اطلاق مدنیت یا مدینه یا شهر، بر یک زیستگاه انسانی، ایمان به خدای متعال است و فقدان این مؤلفه در هر زیستگاهی با هر وسعت و جمعیتی منجر به تنزل آن به قریه یا روستا می‌شود اما در ادبیات قرآنی، روستا با آنچه در عرف، روستا خوانده می‌شود متفاوت است (منان رئیس، ۱۳۹۵). برخی دیگر می‌گویند «آنگاه که از بیرون به مجموعه‌ای از انسان‌ها که گرد هم جمع شده‌اند نگریسته می‌شود واژه قریه به کار می‌رود و چون از درون به برخی از آنان توجه شود، واژه مدینه کاربرد دارد»

تبدیل به شهر بشود و زمین‌های مستعد و حق بر تولیدات کشاورزی را به ورطه نابودی کشاند. نظیر شهرستان باشت که آینده آن بین مرگ اراضی مستعد کشاورزی و زندگی شهری در نوسان خواهد بود. همچنین متأسفانه از میان ده‌ها طرح توسعه روستایی از جمله طرح هادی روستایی، طرح بهسازی روستایی، طرح حفاظت از روستاهای واجد ارزش، طرح عمران مناطق توسعه‌نیافته روستایی، طرح جمع‌آوری روستاهای پراکنده، طرح ساماندهی سکونت‌های روستایی و... نامی از طرح آبرسانی کشاورزی دیده نمی‌شود.

۲-۶. حق بر رفع تنگدستی و ایجاد معیشت پایدار

روزگاری حق معاش، کم‌ترین انتظار روستائیان و به مفهوم سیرکردن شکم خانوار روستایی و رفع تنگدستی بود اما امروزه کشاورز حق معیشت پایدار را نه در سیر کردن شکم خود و خانواده بلکه در اقتصاد روزآمد روستایی آن‌هم با محوریت حقوق انسانی یعنی در تأمین حقوق همه‌جانبه افراد خانواده از قبیل تحصیلات عالی، شغل آبرومندانه، دسترسی به اطلاعات و رسانه‌ها، شرکت در مجامع عمومی و غیرذالک می‌بیند. پس این دو حق، جداگانه بررسی می‌شود.

۲-۶-۱. حق بر رفع تنگدستی

می‌گویند «شهروند فقیر اگر دغدغه آزادی و مشارکت داشته باشد امکان بهره‌مندی از آن را ندارد» (ایران‌منش، ۱۳۹۴)؛ زیرا فقر در برخی ایجاد ترس و خجالت می‌کند. او را از ابراز عقیده و خودباوری باز می‌دارد. بعضی را ناامید، وابسته، برده، مزدور، بی‌اراده و خنثی می‌سازد و استعداد و استقلال و قابلیت‌های ذاتی او را بر باد فنا می‌دهد. «مردم توان تحمل فقر را ندارند زیرا فقر کمر انسان را می‌شکند و گویا از شدت احتیاج ستون فقراتش شکسته است. فقر انسان را خشمگین می‌کند. فقر کلید بدبختی است» (منتظر قائم، ۱۳۹۳). فقر حتی موجب تحقیر اصالت انسان هم می‌شود که البته برداشت برخی از مفهوم اصالت، عوامانه است. عده‌ای گمان می‌برند اصالت، زادوولد و زیادت نسل است؛ اما قرآن در سوره کوثر به پیامبر می‌فرماید نداشتن فرزندان ذکور نشان بی‌اصالتی تو نیست. عده دیگر اصالت را در سیادت محلی و مناصب دولتی می‌بینند. در این باره حافظ می‌گوید «دود اگر بالا نشیند کسرشان شعله نیست/ جای چشم ابرو نگیرد چون که او بالاتر است». آری آب زلال چون گل‌آلود شود، زلال آب، ته می‌نشیند. درست مثل رفتار یک دولت فاسد در انتصاب مقامات مفسد. بنابراین اصالت خانوادگی به معنای شهرت، طبقه، قوم و طایفه و ثروت، زیبایی، تحصیلات یا موقعیت اجتماعی نیست.

عده سوم، اصالت را در نژاد جست‌وجو می‌کنند ولی هرکس به اصالت نژاد ایمان دارد، اعتقاد او به حقوق بشر، ضعیف است. پس

اصالت به مفهوم گوهر وجودی صرف‌نظر از نژاد، طبقه، نسل و مناصب اجتماعی است. در هر حال اگرچه ولتر با زیبایی تمام می‌گوید استعداد بدون پول، دردناک و پول بدون استعداد، بی‌معنی است ولی حق روستائیان فقیر بر آب و زمین، درست مانند حق دسترسی فقرا بر بیمارستان‌های پیشرفته است. به همین خاطر «در کنفرانس وزرای پنجمین اجلاس جهانی آب بر مدیریت عادلانه آب برای فقرا تأکید شده است» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱) چون نبود یا کمبود آب بر افراد فقیر اثر بیشتری دارد و لذا در کشوری مثل چین، تأمین آب جوامع روستایی فقیر، مندرج در اهداف توسعه هزاره مورد توجه قرار گرفته و در سند بیانیه دومین گردهمایی جهانی آب در لاهه در سال ۲۰۰۰ که به تصویب ۱۱۳ وزیر از جمله وزیر نیروی جمهوری اسلامی رسیده است بر توجه خاص به اقشار فقیر تأکید شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱). از امام علی هم نقل شده است که همانا ویرانی سرزمین‌ها از تنگدستی مردمانش سرچشمه می‌گیرد و تهیدستی مردم از آز زمامداران به مال‌اندوزی و بدبینی آنان به پایداری حکومتشان. لذا فرمود هرکس آب‌خاک داشته باشد و نیازمند شود پس خداوند او را از رحمتش دور گردانیده است (بروجردی، ۱۳۹۲). حتی گفته می‌شود فقرا در چهار صورت حق دارند علیه حکومت اقامه دعوی کنند. در صورتی که؛ حکومت سهم فقرا را نمی‌دهد، اغنیا زکات نمی‌دهند، فعالیت اغنیا به ضرر فقرا هست و سوءتدبیر حکومت منجر به فقر مردم می‌شود (منتظر قائم، ۱۳۹۳). در حقیقت، صورت نخست، بی‌اعتنایی دولتمردان به حقوق تنگدستان است. صورت دوم، وضع مالیات ناعادلانه یا عدم اخذ مالیات از طبقه فئودال و سرمایه‌دار است. صورت سوم، به رانت‌خواری و فساد اداری و سوءاستفاده از امکانات دولتی و منابع طبیعی اشاره دارد و صورت چهارم، به مدیریت غیر تخصصی و حکمرانی نامطلوب و همه این‌ها به اهمیت آب کشاورزی در رفع تنگدستی روستائیان اشاره می‌کند.

۲-۶-۲. حق بر معیشت پایدار

الگوی معیشت پایدار به‌عنوان یکی از رویکردهای توسعه روستایی نوین در اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح شد که از ویژگی‌های آن ترکیب عوامل معیشتی جامعه روستایی با توسعه پایدار بود (سجاسی قیداری و دیگران، ۱۳۹۵) این الگو مستلزم تجدیدنظر در معیشت سنتی و درعین حال ضربه نزدن به منابع طبیعی به‌عنوان میراث نسل حاضر و آیندگان است. «شواهد نشان می‌دهد که در مطالعه توسعه روستایی باید به گذران زندگی و راهبردهای رفاه خانواده‌های روستایی در چشم‌اندازهای اقتصاد روستایی متمرکز شد. معیشت پایدار روستایی سعی دارد مشکل فقر و آسیب‌پذیری خانوارها را بر محوریت انسان حل کند» (مطیعی لنگرودی و دیگران، ۱۳۹۰). بخش کشاورزی با

۳. چالش مالکیت بر اراضی کشاورزی

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، مال را چیزی می‌داند که دل آدمی به سوی او متمایل می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰). مثلاً اطفال میل دارند هر چیزی را به چنگ آورند. برخی آدم‌ها هم برای بردن مال دیگران، گاهی جان خود را از دست می‌دهند. پس آیا مالکیت، غریزی است؟ غریزه جبراً میلی را بر انسان مستولی می‌سازد. مثل علاقه گرسنه به غذا. طبق آیه ۳۵ سوره ص، پیامبری از خدا این‌طور درخواست می‌کند: پروردگارا ملکی به من ارزانی دار که هیچ‌کس را پس از من سزاوار نباشد. آیه ۸ سوره عادیات می‌گوید انسان، سخت شایسته مال است. آیه ۲۰ سوره فجر می‌فرماید مال را دوست دارید دوست‌داشتنی بسیار. آیاتی از قرآن از جمله ۴۶ سوره کهف، علاقه انسان به مال را با علقه او به فرزند همسان می‌داند. پس به نظر می‌رسد مالکیت، غریزی است و ایجاد حق می‌کند زیرا ناخواسته بر انسان تحمیل می‌شود. احتمالاً آزادی مالکیت خصوصی در نظام سرمایه‌داری بازتاب همین تفکر غریزی است. لیکن قرآن کریم در آیاتی از جمله ۱۷۷ بقره می‌فرماید مؤمنان مال خود را باوجود دوست داشتنش به دیگران انفاق می‌کنند. سوسیالیسم که از برابری مالکیت دفاع می‌کند بر این باور است که تحدید مالکیت غریزی موافق با مصلحت و عقل اجتماع است. پس مالکیت مثل درختی است که ریشه در جنس غریزه ولی شاخ و برگ از عقل و اعتقاد دارد. بااین‌وجود، کاپیتالیسم به بهانه آزادی، از مالکیت خصوصی بی‌حدومرز دفاع می‌ورزد ولی عامل نابرابری در انسان‌ها شده است. سوسیالیسم به بهانه برابری، مالکیت‌ها را در اختیار دولت قرار داده و حتی قاشق و چنگال خانگی را هم عمومی دانسته و مردم را از میل طبیعی به آزادی مالکیت خصوصی محروم ساخته است. قانون اساسی ما ولی مدعی آزادی، برابری و درعین‌حال برقراری عدالت از راه مالکیت دولتی، خصوصی و تعاونی در اسلام است ولی این ادعا ناتمام است؛ زیرا در باب مالکیت خصوصی آیه ۳۷ آل‌عمران می‌فرماید خداوند به هر کس بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد. در آیه ۳۰ سوره اسراء می‌فرماید پروردگار برای هر که بخواهد روزی را گشاده یا تنگ می‌گرداند. او به حال پندگانش آگاه و بیناست. در آیه ۷ سوره نساء می‌فرماید نَصِيبًا مَّفْرُوضًا. مال کم باشد یا زیاد، نصیب هر کس مفروض شده است. در آیه ۷۱ سوره نحل می‌فرماید خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است و کسانی که فزونی یافته‌اند روزی خود را به بردگان خود نمی‌دهند تا مبادا در آن باهم مساوی شوند. لیکن قرآن کریم در تحدید مالکیت خصوصی هم در آیه ۷ سوره حشر می‌فرماید نباید ثروت میان توانگران شما دست‌به‌دست گردد.

استفاده از برنامه‌های تحقیقاتی بین‌المللی در نظر دارد علاوه برافزایش توان تولید، آب مازاد بر نیاز را در بخش‌های دیگر اقتصاد استفاده کرده و باعث بالا بردن وضعیت معیشتی و محیط‌زیستی شود. پس برای افزایش بهره‌وری مصرف آب، نگاه‌ها نباید فقط به بخش آب کشور معطوف شود بلکه باید نگرش ویژه‌ای به سایر بخش‌ها نظیر باغداری، دامپروری، آبی‌پروری کرد (حیدری، ۱۳۹۳). امروزه نگاه کشاورز روستایی به سیاست و اقتصاد عوض شده و وقتی معیشت زندگی بر او سخت شود، زمین را رها و به شهر مهاجرت می‌کند. ولی با امکان عملی شدن طرح آبیاری در روستای برمامیون، حق معیشت کشاورزان این روستا در تقابل میان اصول ۲۸ و ۴۰ قانون اساسی که اولی ناظر به انتخاب آزاد شغل و دیگری راجع به منع اضرار به غیر است، در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد گرفت. بدین توضیح که حق بر شغل (برای دامداران فاقد زمین) و حق بر سلامت و مصونیت از امراض دامی (برای زمین‌داران فاقد دام) به این دلیل که دام‌ها در دل روستا نگهداری می‌شوند و مجتمع دام یا محل نگهداری دیگری در خارج از روستا پیش‌بینی نشده است مغایر به نظر می‌رسد. همچنین حقابه کشاورزی برای امرامعاش از راه باغداری، دامپروری، آبی‌پروری و غیره منظور نشده است.

۲-۷. حق روستا - مکان

صرف روستا نامیدن یک مکان، حقی بر آب کشاورزی ایجاد نمی‌کند. خطر هضم شدن روستا در بافت شهری، وجود اراضی مستعد برای کشاورزی، تراکم جمعیت روستایی، نوع فعالیت روستا از ویژگی‌های مهم روستا - مکان می‌باشد. در این راستا «روستاهای کشور را می‌توان به شش نوع تقسیم کرد؛ کشاورزی، عشایری، اقماری شهرها، گردشگاهی (توریستی)، اداری، سکونتگاهی. نیازهای هر یک از این روستاها متفاوت است» (طالب، ۱۳۷۴). به‌طور مثال روستاهای شمال تهران محل سکونت دوم قشر مرفه می‌باشد. برخی روستاهای مشمول این طرح نظیر تلخاب شیرین یا کلاغ‌نشین در معرض بلعیدن در بافت شهری یا کاربری غیر کشاورزی هستند. تبدیل اراضی کشاورزی مرغوب به کاربری شهری اثرات منفی زیادی به همراه خواهد داشت. تحقیقات نشان داده فاصله روستا از شهر با روند تغییر کاربری کشاورزی به مسکونی رابطه دارد. پس می‌توان ادعان نمود که رشد فیزیکی مادر شهرهای منطقه‌ای روستا-های اطراف شهر را در خلاف جهت توسعه پایدار سوق داده و اراضی روستایی را به کاربری مسکونی تغییر داده است. این امری است که مسئولان برنامه‌ریزی کشور نمی‌توانند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند (افراخته و حجتی پور، ۱۳۹۲).

در باب مالکیت عمومی و دولتی هم اگرچه بر اساس آیاتی از قرآن کریم، قاعده کلی، مالکیت خدا، پیامبران و امامان به عنوان جانشینان خدا بر روی زمین است ولی اتفاق نظر چندانی در خصوص ساختار مالکیت وجود ندارد. به طور مثال «مالکیت اراضی را آیت‌الله طالقانی بر اساس اصول اسلام به سه گروه مالکیت عمومی، مالکیت امام و مالکیت شخصی تقسیم می‌کند» (ملایی توانی، ۱۳۸۲). آیت‌الله منتظری فرقی اساسی میان مالکیت عمومی و مالکیت امام قائل نیست (منصوریان، ۱۳۹۴). از نظر شهید بهشتی، مالکیت در اسلام سه نوع است. خصوصی، دولتی و عمومی (حسینی بهشتی، ۱۳۷۲) ولی در این تعریف، رابطه مالکیت دولتی با مالکیت امام روشن نشده است. امام خمینی معتقد است «اگر به قوانین اسلام عمل شود هیچ‌کس دارای زمین‌های بزرگ نمی‌شود. مالکیت در اسلام به صورتی است که تقریباً همه در یک سطح قرار می‌گیرند» (امام خمینی، ۱۳۷۹-۱۳۶۸). نظر حسینعلی رحمانی عضو مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی این بود که املاک مالکین بزرگ و فتوادل‌ها باید طبق موازین صحیح در اختیار روستائیان قرار گیرد و زمین از انحصار عده معدود درآید (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴). در باب مالکیت تعاونی هم باید گفت اولاً مالکیت تعاونی نوع سومی از مالکیت محسوب نمی‌شود بلکه هم می‌تواند دولتی باشد هم خصوصی. ثانیاً در مالکیت تعاونی بایستی اساس کار این باشد که نیروهای کار نه مزدور دولت باشند نه مزدور بخش خصوصی تا جلوی استثمار خصوصی و دولتی گرفته شود (ساردوئی‌نسب، ۱۳۸۸ به نقل از بهشتی). در حالی که در ایران، اغلب اعضای شرکت‌ها، برای سرمایه‌داران (صاحبان خصوصی شرکت) و دولت کار می‌کنند نه برای خودشان؛ زیرا از سهام شرکت، بهره‌ای ندارند. در مجموع می‌توان گفت فرد، دولت، امام، به ترتیب تصمیم‌گیرندگان اصلی مالکیت‌ها در سه نظام سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام است و در کشورهای پیشرفته هم معمولاً مالکیت دوگانه (خصوصی یا عمومی) است ولی از آنجاکه ساختار مالکیت در ایران، چندگانه است، بالتبع مالکیت عادلانه آب کشاورزی که خود مستلزم مالکیت عادلانه بر اراضی کشاورزی است، مبتلا به اشکالاتی است. بدین توضیح که در دهه ۱۹۶۰ در دنیا اصلاحات ارضی آغاز گردید و الگویی برای نظام اصلاحات ارضی در ایران بود. در بسیاری از کشورها نظیر چین، آمریکا، کوبا، «ژاپن، انگلستان، شوروی سابق، اصلاحات ارضی مورد توجه قرار گرفت و کمیسیون اقتصادی امریکای لاتین و فائو، اصلاحات ارضی را شرط اولیه برای پیشرفت کشاورزی روستایی دانسته است» (نسوان بیگی، ۱۳۷۶). در ایران اما

بسیاری، از نظام اصلاحات ارضی بدگویی و عده‌ای آن را می‌ستایند که به نظر می‌رسد هر دو خطا می‌گویند. خوانین، فتوادل‌ها، مالکان بزرگ و برخی از روحانیون، مخالف اصلاحات ارضی بودند؛ زیرا «پیش از اصلاحات ارضی ۵۰ درصد از زمین‌های کشاورزی در دست مالکان بزرگ بود. ۲۰ درصد متعلق به اوقاف و در اختیار روحانیون بود. ۱۰ درصد زمین‌های دولتی متعلق به خاندان پهلوی بود و فقط ۲۰ درصد به کشاورزان تعلق داشت» (امیری و جمشیدی، ۱۳۹۸). تقسیم آب هم طبق مقدار خراجی که رعایا به خوانین یا ملاکین می‌دادند صورت می‌گرفت و خان یا مالک مقتدرتر زمین بیشتری را برای رعایای خود در اختیار داشت و خراج بیشتری را نصیب خود می‌کرد (ازکیا و رستمعلی زاده، ۱۳۹۳). در جریان اصلاحات ارضی نیز تعداد کمی از دهقانان و در واقع دهقانان صاحب نفوذ زمیندار شدند (سازمان امور اراضی، ۱۳۸۱). اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ اگرچه با شعار زمین از آن بزرگ است آغاز شد ولی توزیع زمین‌ها به شکلی ناعادلانه صورت گرفت و بر طبق مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی، مالک می‌توانست تا ۵۰۰ هکتار از اراضی خود را با استفاده از تراکتور شخم زده و از قانون اصلاحات ارضی مستثنی کند (نسوان بیگی، ۱۳۷۶). ولیکن شاه در سال ۱۳۲۰ با تقسیم اراضی و دهات پدرش میان ۴۲ هزار نفر تغییراتی در ساختار روستاها ایجاد کرد (سازمان امور اراضی، ۱۳۸۱). بعد از انقلاب میزان ۴۲۸۵۹ هکتار از اراضی امرای لشکری و کشوری و اراضی وابستگان به رژیم سابق توسط هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین به افراد بی زمین واگذار گردید اما بیش از صد هزار هکتار باقی‌مانده در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت و در واقع طرح تقسیم عادلانه اراضی کشاورزی روستایی در زمان انقلاب هم موفق نبود (سازمان امور اراضی، ۱۳۸۱). دهقانان فقیر تا ۲ هکتار، دهقانان متوسط تا ۱۰ تا ۱۰ هکتار و دهقانان ثروتمند ۱۰ تا ۵۰ هکتار در اختیار دارند که بعد از انقلاب بر تعداد دهقانان ثروتمند هم افزوده شده است (نسوان بیگی، ۱۳۷۶). شورای نگهبان در سال ۱۳۶۳ اجرای قوانین اصلاحات ارضی را مخالف با شریعت اسلام تشخیص داد و این روند به‌طور کلی متوقف شد ولی مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۰ روند اصلاحات ارضی را قانونی اعلام نمود و در نهایت در سال ۱۳۸۱ اصلاحات ارضی از سر گرفته شد» (امیری و جمشیدی، ۱۳۹۸). اکنون مشهود است که مالکیت مشروع و نامحدود، خرد شدن اراضی کشاورزی، قانون ارث و صدور سند مالکیت رسمی، تنوع اراضی، ممیزی و واگذاری اراضی، چالش‌های عمده مالکیت بر اراضی کشاورزی روستایی است که مع‌الواسطه حق بر آب کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳-۱. چالش مالکیت مشروع اما نامحدود

نظریه مالکیت مشروع و محدود برای اولین بار در طرح رضا اصفهانی معاون وقت وزارت کشاورزی مطرح شد. آیت‌الله مشکینی در اظهارنظری اعلام کرد اگر مالکیت یک فرد سبب اضرار به مالکیت دیگران شود یا سبب مفسده در جامعه شود این مالکیت را اسلام محدود می‌کند ولی مخالفان نظریه مالکیت مشروع و محدود اعتقادشان بر این است که مالکیت در اسلام نامحدود است. عمده این اختلاف مسئله ولایت فقیه است. ولایت فقیه همانند ولایت پدر نسبت به فرزندان است و به نظر آیت‌الله مشکینی حاکم شرع این ولایت را دارد که مثلاً از هزار هکتار زمین یک مالک، نهصد هکتار آن را بگیرد و به افراد نیازمند بدهد اما مخالفان می‌گویند حاکم شرع این سلطه را ندارد (نسوان بیگی، ۱۳۷۶). اصل عدالت و اصل برابری در منابع خدادادی (زمین) دو اصل زیر بنایی در حقوق عمومی است. برخی گویند «عدالت در اصل به معنای برابری و مساوات است» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱) ولی با ذکر مثالی می‌توان گفت تقسیم برابر زمین به منزله تقسیم عادلانه آن نیست.

«مساحت هوایی کشور ایران بالغ بر ۱۶۵ میلیون هکتار است که سهم هر ایرانی از این پهنه گسترده الهی حدود ۲/۵ هکتار می‌باشد. این وسعت در سطح زمین حدود ۲۰۰ میلیون هکتار است که با احتساب نواحی غیرقابل استفاده در نازل‌ترین تخمین همان ۱۶۵ میلیون هکتار می‌شود. حدود نیمی از این مساحت به دلایلی چون فقر آب و کویر بودن قابل سرمایه‌گذاری نیست» (محمدی‌نژاد و صلاحی کجور، ۱۳۹۳). پس در حدود ۸۰ میلیون هکتار قابل استفاده است. اگر جمعیت ایران ۸۰ میلیون فرض شود، سهم برابر و عادلانه هر ایرانی، یک هکتار و در نتیجه، سهم عادلانه یک خانوار معمول ایرانی (خانوار پنج‌نفری) ۵ هکتار خواهد بود. ولی تحت شرایط مالکیت مشروع اما نامحدود، یک شخص می‌تواند مثلاً هزار هکتار یعنی به اندازه یک روستای ۲۰۰ نفری مالک شود که قطعاً ناعادلانه است. پس دولت می‌تواند با اعمال سیاست کنترل ازدواج (یک مرد فقط با یک زن) و کنترل زادوولد (هر خانوار فقط پنج نفر) عدالت و برابری را در تقسیم زمین پیاده کند. اگر دولت اجازه ندهد جمعیت هر خانوار از پنج نفر تجاوز کند، تقسیم زمین چه بر اساس تعداد خانوار و چه بر مبنای تعداد جمعیت خانوار، تقسیمی هم برابر و هم عادلانه است ولی اگر دولت اجازه دهد یک مرد با چهار زن ازدواج کند و یک خانوار ۴۰ نفری تشکیل دهد و مردی دیگر فقط با یک زن ازدواج نموده و خانواری پنج‌نفری تشکیل دهد، هرگاه مینا، جمعیت خانوار باشد، یک خانوار ۴۰ هکتار و خانواری دیگر ۵ هکتار زمین مالک می‌شود که اگرچه مقدار مالکیت افراد برابر است اما تقسیم، ناعادلانه

است. ولی اگر مینا نه جمعیت بلکه خود خانوار باشد، یک خانوار ۴۰ نفری ۵ هکتار و خانوار ۵ نفری هم ۵ هکتار مالک می‌شود که باز نا-عادلانه است زیرا این تقسیم منجر به تولید فقر در یک خانواده و ایجاد ثروت در خانواده دیگر می‌شود؛ بنابراین خود دولت می‌تواند عامل برابری و عدالت در تقسیم اراضی کشاورزی باشد. رهبری انقلاب نیز در ۱۷ اسفند ۱۳۹۳ با اشاره به آیه ۱۰ سوره الرحمن بیان کرد «این کره ارضی مال همه است. بعضی حق بیشتری از بعضی دیگری ندارند». با این وجود، عده‌ای می‌گویند دولت در اصلاحات ارضی با استفاده از آیه ۱۰ سوره الرحمن که می‌فرماید زمین مال مردم است (وَ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ) تقسیم مساوی زمین را کار درستی نمی‌دانند که نتیجه آن به عنوان مثال «در منطقه شوش دانیال است که هر کدام از شیوخ به‌طور متوسط بیش از ۲۳۲ هکتار زمین دارند در حالی که معدل مالکیت زمین هر کدام از خانوار-های کشاورز در این منطقه حدود هفت‌دهم هکتار است» (نسوان بیگی، ۱۳۷۶).

۳-۲. چالش خرد شدن اراضی

حدود ۸۰ درصد اراضی کشاورزی در دنیا به‌صورت خرد و پراکنده هستند و تمام کشورهای مختلف جهان حتی کشورهای پیشرفته با پراکندگی و کوچکی اراضی کشاورزی مواجه‌اند که امروزه به یکی از موانع اصلی توسعه کشاورزی جهان تبدیل شده و مانعی در استفاده بهینه از آب و زمین است (رضایی و قهرمانی، ۱۳۹۵). شورای نگهبان یکپارچه‌سازی اراضی را به دلیل قانون ارث خلاف شرع دانست ولی مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را قانونی اعلام کرد و با الگوی تعاونی‌های تولید این برنامه اجرا شد اما کشاورزان در برخی مناطق حاضر نیستند از الگوی مذکور پیروی کنند چراکه از صدور سند مالکیت به نام تعاونی‌ها واهمه دارند. پس تعاونی‌های تولید و نظام یکپارچه‌سازی یا جلوگیری از خرد شدن اراضی در خیلی از استان‌ها موفق نبوده است. به‌طور مثال «خرد بودن اراضی کشاورزی از مهم‌ترین چالش‌های کشاورزی در دهستان کیار شرقی در استان چهارمحال و بختیاری است» (رضایی و قهرمانی، ۱۳۹۵). دولت در خصوص این چالش تاکنون سازوکار مؤثری نیندیشیده است.

۳-۳. چالش سند مالکیت رسمی

از یک‌طرف، قانون ارث عامل اصلی خرد شدن اراضی کشاورزی در ایران محسوب می‌شود؛ زیرا پس از مرگ یک مالک، زمین بین

اقدام به خرید زمین کرده‌اند و پس از مدتی دستگاه دولتی دیگری با باطل اعلام کردن زمین از سازمان ثبت خواسته تا اسناد مالکیت افراد را لغو کند» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵). اراضی قبیله‌ای نیز در میان عشایر دیده می‌شود که متعلق به رئیس طایفه یا ایل می‌باشد و در برخی نقاط ایران به چشم می‌خورد (سازمان امور اراضی، ۱۳۸۱). بیشتر روستاهای ایران نیز به چهار شکل خالصه، سلطنتی، وقف و اربابی بوده است (غفاری، ۱۳۸۳). طبق قاعده کلی میباحات، هر کس زمینی را احیاء کند می‌تواند مالک آن شود.

۳-۵. چالش ممیزی اراضی

در ممیزی اراضی، علی‌القاعده توجه ما یا روی وضعیت ملک است یا روی سوابق فعالیت مالک. وضعیت یک زمین زراعی، از چهار حال خارج نیست. ۱. سابقه زراعت دارد و اکنون هم زراعی است. ۲. سابقه زراعت دارد ولی اکنون زراعی نیست. ۳. سابقه زراعت ندارد ولی اکنون زراعی است. ۴. سابقه زراعت ندارد و اکنون هم زراعی نیست. طبق موازین اسلام، موات بودن زمین تابع دو شرط است. مالک خاص ندارد، کشت و زراعت نشده است (۱۰۰ درصد مرده). طبق قوانین و در عرف ما هم زمینی را که در آن درختکاری، احداث بنا یا زراعت شده و این عمل به‌طور مستمر ادامه دارد، آباد یا دایر می‌گویند (۱۰۰ درصد زنده) و به زمینی که سابقه آبادانی دارد ولی مدتی رها شده بایر گویند (وضعیت برزخی)؛ بنابراین در وضعیت بالا، حالات اول و سوم را زمین دایر، حالت دوم را زمین بایر و حالت چهارم را زمین موات می‌نامند. ولی مطالعه قوانین ایران، باعث سردرگمی در تشخیص این اراضی از یکدیگر گردیده و مشکلاتی را به وجود آورده است.

براساس قانون زمین شهری ۱۳۶۶ اراضی بایر، زمین‌هایی است که سابقه عمران و احیا داشته ولی به تدریج به حالت موات برگشته است اعم از آنکه صاحب مشخصی داشته و یا نداشته باشد (حالت ۲) و زمین موات شهری زمین‌هایی است که سابقه عمران و احیاء نداشته باشد. طبق قانون اصلاحات ارضی ۱۳۳۹ بایر زمینی است که در آن عملیات زراعی انجام نگرفته است (حالت ۳) ولی اراضی موات، زمین‌های بایری است که ملک اشخاص نمی‌باشد (حالت ۴). از منظر قانون، بایر یا مجهول‌المالک است یا معلوم‌المالک. طبق قانون نحوه واگذاری و احیاء اراضی ۱۳۵۸ اراضی بایر، زمینی است که سابقه احیاء (تغییر وضعیت طبیعی زمین) دارد ولی به علت اعراض و عدم بهره‌برداری برای مدت ۵ سال متوالی بدون عذر موجه متروک مانده و یا بماند (حالت ۱ یا ۲). اراضی موات هم زمین‌هایی است که سابقه احیاء و بهره‌برداری ندارد و به‌صورت طبیعی باقی مانده است (حالت ۴). طبق لایحه قانونی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیای

وراث او تقسیم و مساحت زمین با فوت وارثان بعدی رفته‌رفته کم می‌شود تا جایی که دیگر برای کشاورزی اقتصادی نبوده و مالک مجبور به فروش یا تغییر کاربری به غیر کشاورزی می‌گردد. به همین علت در ایران سالانه ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی کوچک می‌شود ولی در امریکا به دلیل اعمال قوانین خاص ارث، اراضی نسبتاً یکپارچه است و کشاورزان به این دلیل امکان استفاده بهینه از زمین را دارند (افشار، ۱۳۸۵). از طرف دیگر، طبق مصوبه ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزارت کشاورزی موظف است نسبت به اراضی مشمول قانون اصلاحات ارضی تحت تصرف زارعین صاحب نسق سند رسمی مالکیت صادر کند. لیکن صدور سند مالکیت شش‌دانگ (سند مفروز) باعث خرد شدن اراضی کشاورزی می‌شود و به همین خاطر دولت طبق قانون جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی ۱۳۸۵ صدور سند مالکیت تفکیکی و سند شش‌دانگ را ممنوع نموده است. البته صدور سند به‌طور مشاعی بلا-مانع است که کشاورزان رغبتی به آن ندارند چون گره‌گشای مشکلات آن‌ها نیست. بر اساس آیین‌نامه اجرایی این قانون اگرچه حدنصاب فنی برای سنددار کردن اراضی براساس استان و شهرستان و بر مبنای زمین کشاورزی (آبی یا دیم) و باغ (آبی یا دیم) متفاوت است ولی در سراسر کشور، اراضی آبی کمتر از ۳ هکتار و اراضی دیم کمتر از ۵ هکتار سنددار نخواهد شد و در منطقه خان‌احمد و بر مایون این مقدار به ترتیب ۵ هکتار و ۱۵ هکتار است که دهقانان بسیار اندکی دارای این مقدار زمین هستند؛ بنابراین مشخص است که دولت در بند قوانین متضادی است که خود آن را تصویب نموده است.

۳-۴. چالش تنوع اراضی

در ایران، زمین کلکسیونری از تنوع مالکیت‌هاست. اراضی بایر، دایر، موات، میاح، شهری، جنگلی، آیش، خالصه، سلطنتی، لشکری و کشوری، موقوفه و مذهبی، کشت موقت، اراضی قبیله‌ای، عشایری، روستایی، منابع طبیعی، اراضی دولتی، ملی، مرتع، مسلوب‌المنفعه، رها شده، مجهول‌المالک (ثبتی و مدنی)، اراضی متروکه، اعراضی، اصلاحات ارضی، انفالی، مستحدثه، ساحلی، عمده مالکی، صادره‌ای، داخل و خارج محدوده، اراضی بندج، استحفاظی، زراعی، نمونه‌های مختلف آن است. نهادهای تقنینی و اجرایی در ایران هم متعدد هستند و بیش از یکصد قانون هم در زمینه مالکیت اراضی وجود دارد. پس این تنوع به‌گونه‌ای است که کار را بر ممیزی، تقسیم و مدیریت علمی و عادلانه اراضی کشور سخت کرده است. یکی از رؤسای قوه قضائیه در این باره می‌گوید «در این پرونده (اصفهان) یک دستگاه دولتی زمینی را موات اعلام کرده و افراد با مشکل فراوان

ماده ۲۶ قانون مدنی اراضی ملی را غیرقابل واگذاری می‌داند ولی به موجب اصل ۴۵ قانون اساسی، واگذاری مشروط به رعایت مصالح عمومی است و در حال حاضر هم طبق قانون افزایش بهره‌برداری کشاورزی ۱۳۸۹ واگذاری در قالب اجاره ۹۹ ساله و بر اساس ماده ۴۵ قانون رفع موانع تولید و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴ واگذاری‌هایی صورت می‌گیرد که «باملاحظه انبوه قوانین مصوب در این زمینه بی‌ثباتی و عدم شفافیت در قانون‌گذاری به نحو آشکاری دیده می‌شود» (مظفری و دیگران، ۱۳۹۸).

علی‌رغم عمر شصت‌ساله برنامه اصلاحات اراضی در روستای برامیون برخی از مالکان، دارای نسق مالکیت بوده ولی فاقد زمین زراعی می‌باشند و برخی دیگر اضافه بر نسق، زمین زراعی دارند. وجود منابع طبیعی در حاشیه و حریم اراضی زراعی برخی مالکان، نیز مشکلاتی فراهم نموده است.

۴. چالش سیاست دولت در آب کشاورزی

سیاست آب کشاورزی در اراضی روستایی وابسته به سیاست و حکمرانی کلی و نیز سیاست دولت در آب‌های عمومی است.

۱-۴. سیاست و حکمرانی کلی
اصولاً برخی بزرگان تاریخ، میلی به قدرت و حکمرانی نداشته‌اند. نقل است اسکندر به دیوژن گفت ای حکیم؛ هر منصبی از من پادشاه بخواهی به تو خواهم داد. دیوژن گفت از کنارم برو تا سایه تو مزاحم آفتاب من نشود. ولی دو کس، عطش قدرت‌طلبی دارد؛ آن کس که می‌خواهد از همه چیز بگذرد و آن کس که می‌خواهد به همه چیز برسد. می‌گویند لباس گاندی به قدری مندرس بود که پاپ مقدس تن به ملاقات او نداد. گاندی قدرت‌طلب اما فروتن و بی‌ادعا بود و از همه چیز گذشت تا دیگران به خوشبختی برسند. ولی بسیاری قدرت‌طلبانی که در طریق حکمرانی، می‌خواهند خودشان به همه چیز برسند. قدرت‌طلبی نوع اول از توانایی و نوع دوم از ناتوانی سرچشمه می‌گیرد. سنکا می‌گوید؛ تمامی ستمگری‌ها از ناتوانی است. پس قدرت‌طلبی، فی‌نفسه عیب نیست. نقد حکمرانی، به مفهوم نفی کل اندیشه یک حکومت یا نفی کل حکومت یک اندیشه هم نیست. ولی می‌دانیم شعارهای عدالت اقتصادی، حکومت اسلامی، سازندگی و توسعه، جامعه مدنی، قانون‌گرایی، پول نفت بر سفره مردم، از وعده‌های دولتی دو جناح اصول‌گرا و اصلاح‌طلب بود ولیکن بسازندگی با آلاکلنگ، آنچه ثابت مانده است، خویشاوند سالاری، پارتی‌بازی، رانت‌خواری، پرداختی‌های فرش تا عرش، نابرابری خواهی، انتصابات ماندگار، ثروت‌اندوزی، شخص‌پرستی و خوداصل‌پنداری، تملق‌گرایی و تعصبات ناروا، تجارتی شدن علم و تخصص، مالکیت خصوصی

اراضی ۱۳۵۹، اراضی بایر آن دسته از اراضی است که در زمان رژیم پهلوی دایر بوده و ملک اشخاص حقیقی یا حقوقی بوده است (حالت ۱ یا ۲). براساس مصوبه ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، اراضی بایر اراضی است که بیش از ۵ سال بدون عذر موجه بلاکست مانده یا بماند (حالت ۱ یا ۲). طبق ماده ۲۷ قانون مدنی، موات، زمینی است که معطل افتاده و کشت و زرع در آن نباشد؛ یعنی زمینی که قبلاً کشت‌شده ولی اکنون زراعت نمی‌شود (حالت ۲). «اراضی موات از منظر قانون مدنی، ملی محسوب نمی‌گردد زیرا اشخاص می‌توانند با حیازت و احیاء، آن‌ها را تصاحب نمایند» (میرمحمد صادقی و رجبعلی، ۱۳۹۶). نزدیک به نیم‌قرن از تصویب قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ می‌گذرد اما تاکنون وضعیت بسیاری از اراضی ملی از مستثنیات مشخص نشده است. مهلت اعتراض به ملی اعلام شدن اراضی طبق نظریه شماره ۲۶۵۰ مورخ ۱۳۶۷/۸/۴ شورای نگهبان همچنان فاقد موعد می‌باشد. قانون‌گذار دولت را مکلف نمود تا پایان برنامه پنجم توسعه نسبت به اتمام عملیات تشخیص و ممیزی و اراضی و تثبیت مالکیت دولت اقدام نماید. برخی قضات، قانون ملی شدن جنگل‌ها در سال ۱۳۴۱ را مبنا برای ملی یا مستثنا بودن اراضی قرار می‌دهند و برخی دیگر سال ۱۳۶۵ را مبنا قرار داده و رأی صادر می‌کنند. درحالی‌که پس از انقلاب هیچ قانونی به مبنا قرار دادن سال ۱۳۶۵ تصریح ندارد و هیچ قانونی هم قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب ۱۳۴۱ را نسخ نکرده است (عباسی، ۱۳۹۵).

۳-۶ چالش واگذاری اراضی

با بررسی مبانی حقوقی واگذاری اراضی ملی در حقوق ایران روشن می‌شود که این مقوله از درهم‌ریختگی مبانی مختلف رنج می‌برد. بر اساس یک دیدگاه، زمین‌های ملی به هیچ‌وجه قابل‌واگذاری به بخش خصوصی نیست زیرا خلاف مصلحت عمومی است. بر اساس دیدگاه دیگر، اراضی ملی جزو انفال است. پس معصوم و ولی فقیه حق واگذاری آن را بی‌قیدوشرط دارد. بر مبنای دیدگاه سوم، اراضی ملی چه انفال باشد چه عمومی، واگذاری آن به بخش خصوصی بستگی به رعایت مصالح عامه دارد» (مظفری و دیگران، ۱۳۹۸). طبق قانون، کلیه اراضی بایر در صورت اعراض صاحبان آن‌ها بلاعوض در اختیار دولت قرار می‌گیرد و در صورت عدم اعراض، مالکین ملزم به کشت بر اساس ضوابط کشاورزی یا فروش یا اجاره یا مزارعه زمین بایر خود هستند و سال ۱۳۶۸ آخرین مهلت برای مالکان اراضی بایر بوده است. با این وجود «عده‌ای از فقها اعتقاد دارند که زمین هرچقدر بماند به همان مالک متعلق است و کسی حق احیای آن زمین را ندارد» (نسوان‌بیگی، ۱۳۷۶).

بارش‌های زیاد غیرممکن خواهد بود (روح‌الامینی، ۱۳۹۷). این‌ها انعکاس واقعیاتی است که به آن حکمرانی یا سیاست آب گفته می‌شود.

حکمرانی مطلوب آب یعنی مدیریت تأمین، ذخیره، انتقال، توزیع و مصرف عادلانه، عادلانه و عالمانه منابع آب توسط دولت با مشارکت مردم. حکمرانی مطلوب آب، از حقوق اساسی مردم است ولیکن راجع به حکمرانی آب، در برخی از سایت‌ها و منابع خبری (ذکر نشانی همه آن‌ها در این فرصت، ممکن نیست) به کرات می‌خوانیم که برداشت بیش از ۸۵ درصد از سفره‌های آب زیرزمینی در ایران موجب زمین‌لرزه‌ها در استان‌های مختلفی شده است. بیش از ۲۰ درصد منابع آب تجدید ناپذیر را نباید برداشت نمود. قنات‌ها بهترین شیوه بهره‌برداری آب می‌باشند ولی استفاده از قنات در ایران به دلیل رانت کم، کنار گزارده شده است.

چاه‌های عمیق، عدم اجرای طرح‌های چند هزار هکتاری در شهرستان‌هایی نظیر ایذه و باغ‌ملک، خشکیدن تالاب‌های کارون، گاوخونی، شادگان و هورالعظیم، به خطر افتادن آبشار آتشفشان، طرح پرهزینه انتقال آب دریای خزر به مناطق کویری و از دریای عمان به مشهد، تبخیر آب دریاچه‌ها، خشکیدن منابع پایین‌دست آبخیزها به دلیل سدسازی بی‌رویه، ممنوعه شدن سه‌چهارم دشت‌های کشور، از بین رفتن جنگل‌ها، از دست دادن واحدهای مسکونی هزاران خانوار به خاطر آبیگری سدها، استفاده از آب یک استان برای صنایع استان دیگر، عدم ساخت کارخانه‌ها در نزدیکی دریا نمونه‌هایی از سیاست غلط آب است. ویلا سازی، اجازه کشت محصولات آب بر مثل برنج و هندوانه، عدم استفاده از طرح‌های ارزان‌قیمت مانند بارورسازی ابرها، عدم توجه به شیرین‌سازی آب دریا نمونه‌های دیگری از بی‌تدبیری دولت در حکمرانی آب است.

منتقدان می‌گویند اروپا با همه توانش تولید برق آبی را کنار گذاشته و برق خود را از انرژی خورشیدی و انرژی هسته‌ای تأمین می‌کند ولی در ایران، دولت حداقل چهار دهه است که بر وضعیت بحرانی آب آگاهی داشته ولی نمایندگان مجلس با سیاست منطقه‌گرایی و تلاش برای خرید رأی، فشار سیاسی گسترده‌ای برای توسعه طرح‌های سازه‌ای در حوزه آب و کشاورزی وارد کرده‌اند. استفاده از آب‌های ژرف یا فسیلی که آخرین ذخیره زمین است و در عمق ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متری زمین ذخیره شده‌اند و برای زیست انسان خطر آفرین هستند رواج دارد. سدهایی به نام کشاورزی تصویب و ساخته شده‌اند که هیچ مستنداتی درباره زمین و کشاورزی نداشته‌اند. در برخی جاها آب از عمق ۳۰۰ متری استحصال شده و در برخی مناطق تا ارتفاع ۶۰۰ صد متر پمپاژ گردیده و صرف کشت محصولات غیراقتصادی شده است.

بی‌حدوحصر، نظام بیمار مالیاتی، شکاف‌های طبقاتی، معضلات و وعده‌های انتخاباتی دروغ، تولیدات غذایی خطرناک، قوانین متعارض است و آنچه به تکرار بالا و پایین رفته است همان دو جناح دولتی است.

در دولت تدبیر و امید هم گویا به عالی‌ترین مقام دولت، وصف «میرشکار» دادند. میر، مخفف امیر، یعنی عادل و آفاست و علی (ع) به میر عرب معروف بود؛ اما باید دانست این القاب وامی‌دهای دولتی، برای مردم ایجاد حق می‌کند. حقی که یک شعار، لقب یا ادعای دولتی برای مردم ایجاد می‌کند، در مقابل عمل به گفتمانی است که آراء مردم را جلب و در آن‌ها ایجاد توقع و انتظار مشروع می‌کند. «انتظار مشروع، توقعات معقولی است که در روابط متقابل افراد با مقامات دولتی ایجاد می‌شود به نحوی که عدم توجه به آن‌ها موجب ورود خسارت یا سلب منفعت از شهروندان می‌گردد. لذا انتظارات مشروع، مستلزم نوعی حمایت حقوقی است» (زارعی و بهنیا، ۱۳۹۰). به‌طور مثال، بر اساس اصل ۲۹، دولت، خدمت‌گزار مردم است ولی در خدمت‌گزاری حزب دولتی، معمولاً حقوق مردم در گرو انتخابات است. در مورد اول، مردم بین خوب و خوب‌تر، دومی را و در مورد دوم، از میان بد و بدتر، ناچار به انتخاب بد هستند؛ بنابراین برخی احزاب، کلوب‌های دولتی هستند و از شاکیه و ذائقه مردمی برخوردار نمی‌باشند بلکه وعده‌های آن‌ها یک شعار سیاسی است و نه یک شعور حقوقی. دلبستگی جناح‌های دولتی به سیستم مدیریت اتوبوسی، هم حال موبوکراسی است نه حالت دموکراسی.

پس به نظر می‌رسد با دموکراتیزه کردن نظام اداری ایران یعنی انتخاب، نظارت و برکناری مدیران و رؤسای ادارات مختلف بوسیله جامعه نخبگان محلی منتخب مردم، بتوان بر بسیاری از مشکلات موجود فائق آمد؛ یعنی مردم از دخالت نمایندگان مجلس در عزل و نصب‌های اداری بی‌نیاز می‌شوند. نمایندگان مجلس از خطر فساد اداری مصون می‌مانند و در نتیجه گسست میان نمایندگان مجلس و مقامات اداری، فسادها، رانت‌ها و حق‌کشی‌ها به حداقل می‌رسد.

۲-۴. سیاست و حکمرانی در آب‌های عمومی

در درگیری‌های قومی بر سر منابع آبی که در دارفور جنوبی در دسامبر ۲۰۰۸ رخ داد، دست‌کم ۱۵۰ نفر کشته شد (مرادی طادی، ۱۳۹۶). در حوزه آبخیز گاوشان، دولت جمع‌آوری آب‌بها را به عهده کشاورزان گذاشت که این خود باعث بروز درگیری است (تاتار و دیگران، ۱۳۹۷). بخش عظیمی از پروژه‌ها بیش از آنکه توجه علمی و منطقی داشته باشد، به دلیل منافع محلی و مقطعی تصویب و اجرا شده‌اند (قائمی، ۱۳۹۵). اگر آب سفره‌های زیرزمینی کاملاً تخلیه شود اصل این سفره‌ها از بین می‌رود و جبران آن حتی با

اختصاص یافت. با این حال، این طرح بر زمین ماند و نمایندگان منتخب مردم باشت و گچساران در فاصله سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۱ درباره حق مردم روستا بر آب کشاورزی هیچ تدبیری نیندیشیدند و بارقه‌امیدی هم در دل مردم ایجاد نکردند. به همین سبب، غالباً معتقدند لقب «میرشکار» دولت تدبیر و امید تنها برازنده نام نماینده منتخب آنان در سال‌های ۹۱ تا ۹۸ است که به‌رحال توانست با شکار بودجه و اختصاص آن به این منطقه محروم، تحولی ماندگار ایجاد و مردم را به آینده امیدوار و خوشحال کند. (البته اتمام کار این مقاله مصادف گردید با ۱۱ روز مانده به نتیجه انتخابات ۹۸).

۴-۳-۲. میرآبی

در بحث آب کشاورزی علی‌القاعده ملاک‌هایی مدنظر است. به طوری که در سطح کلان هم «اصل بهره‌برداری عادلانه از منابع آب به معنای توجه به میزان جمعیت، وضعیت اقتصادی و وضعیت زمین در حوزه آبریز است» (محمدی دینانی و دیگران، ۱۳۹۷). جمعیت روستایی، فاصله روستا از منبع آب کشاورزی، استعداد ویژه خود روستا، میزان مالکیت افراد و موارد دیگری که قبلاً از آن‌ها صحبت شد این ملاک‌ها را در بر می‌گیرد. در خصوص جمعیت روستاها بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۵ جمعیت روستاهای مشمول طرح به شرح زیر است. امامزاده جعفر ۱۴۴ خانوار - ۵۰۴ نفر. جهادآباد ۳۵-۱۲۲. پیرسبز ۴ - ۱۳. هسته کوه ۶-۲۳. ناصرآباد ۱۰۴ - ۳۹۹. تلخاب شیرین ۳۷۵-۱۲۹۱. سریشه ۳۴۷-۱۲۷۵. پاکوه ۷۸-۲۹۸. ماهور باشت ۸۴-۲۶۸. بیدزرد ۱۱۰-۳۹۷. کلاغ نشین ۵۱-۱۸۰. خربل ۱۷-۵۴. سراب نیز ۲۹۳ - ۱۰۸۷. پشه کان ۲۱۰-۷۸۹. خان احمد ۱۴۴-۵۲۱.

حال اگر ملاک اولویت، جمعیت روستا باشد مشاهده می‌شود به‌عنوان مثال روستای خربل در فاز اول در اولویت نبوده است. اگر ملاک، فاصله تا رودخانه باشد، روستای سراب نیز در اولویت فاز اول قرار نمی‌گرفت. اگر ملاک، زمین باشد در فاز اول، اولویت با اراضی خان احمد بوده است. اصولاً خان احمدی‌ها هم به لحاظ ثبت سابقه و بودجه طرح و هم به لحاظ اینکه دشت خان احمد در بالادست (طرح ۱۳۷۳ پل بریم)، میان‌دست (طرح ۱۳۷۶ پشت کوه خان احمد) و پایین‌دست (طرح ۱۳۸۱ پاکوه) نسبت به بقیه روستاها و از جمله سراب نیز، پشه کان، خربل، تلخاب شیرین، هسته کوه و غیره در فاصله کمتری از منبع آب واقع شده‌اند، برای خود هم حق تقدم و هم حق اولویت قائل‌اند. در این پروژه همچنین مشاهده می‌شود که در روستایی مثل پیر سبز هر خانواده‌ای تقریباً ۵۰ هکتار به زیر طرح برده است در حالی که روستایی نظیر پشه‌کان هر خانواده‌ای تقریباً ۲ هکتار. در مجموع می‌توان گفت استحقاق و اولویت بندی مشخصی

فروش آب به متقاضیان غیرقانونی، عرضه آب باقیمت کمتر از هزینه نهایی به بخش‌های خاص، رانت‌های سیاسی، عدم مقابله با چاه‌های غیرقانونی، دست‌کاری در اطلاعات مربوط به سد و آب، نقش بسیار کم‌رنگ اساتید مطرح اقتصاد آب در تخصیص آب، از دیگر موارد سوءاستفاده از منابع آبی کشور است. کشاورزان در مدیریت منابع آب هم نقشی ندارند. «وقتی مسئولیت آب شیرین، آب کشاورزی و محیط‌زیست بر عهده سه ارگان باشد و هیچ ارتباط مشخصی بین آن‌ها وجود نداشته باشد، توسعه آب و منابع آن بی‌هدف خواهد شد» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱). دادگاه‌های تخصصی آب و محیط‌زیست هم تشکیل نگردیده تا از سوءاستفاده از ذخایر و منابع آبی کشور جلوگیری شود.

۴-۳. سیاست و حکمرانی آب کشاورزی در روستای برامیون

"شکراله علی‌زاده"، از کشاورزان این روستا در گروه واتس اپی برامیون می‌گوید «خط قرمز انتخابات در روستای ما، طرح تأمین آب کشاورزی است». یکی از مجریان طرح اعلام کرد، «سماجت آقای "علی بخش درون" بیش از خود طرح، ذهن مسئولین اداری را درگیر ساخته است». سالیان پیش، برخی مالکان، این روستا را ترک کرده بودند ولی اکنون برای اخذ اسناد مالکیت اراضی کشاورزی سخت در تکاپو هستند. بهای اراضی و میل بازگشت به روستا افزایش چشمگیری یافته است. اختلافاتی محلی هم بر سر مالکیت‌ها بوجود پیوست. توافقی بر سر محل استقرار ایستگاه پمپاژ آب به عمل نیامد ولی قبل از آن پیمانکار بخش خصوصی، لوله‌گذاری اراضی را به پایان رساند. وضعیت پوشش اراضی «دلی» در طرح بالاتکلیف مانده است. این قبیل مسائل نیز حکایت از اهمیت حکمرانی آب کشاورزی در اراضی روستای برامیون دارد. اگرچه برخی «حکمرانی آب Water governance را به میرآبی تعبیر می‌کنند» (مرادی طادی، ۱۳۹۶) لیکن میرشکاری، میرآبی و مدیریت پایدار آب، سه مؤلفه مهم حکمرانی در آب کشاورزی است؛ یعنی حکمرانی آب، عبارت است از میرشکاری (شکار عادلانه بودجه آب)، میرآبی (تقسیم عادلانه آب) و مدیریت پایدار منابع آب (حفظ منابع آب).

۴-۳-۱. میرشکاری

نقد حکمرانی آب کشاورزی در اراضی روستایی به معنای چشم-پوشی از خدمات خوب دولت، به‌ویژه دولتمردان خوب محلی در بحث آب و سازندگی نیست. لیکن بر مبنای قوانین بودجه سنواتی از سال ۱۳۷۶ به بعد و به‌ویژه از زمان تصویب برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۷۹ یعنی حدود ۲۰ سال پیش، اختیارات مالی و اولویت سرمایه-گذاری به استان‌ها واگذار گردید و در سال ۱۳۸۵ دو درصد (۲٪) درآمد صادرات نفت و گاز به استان‌های نفت‌خیز و محروم کشور

در بحث میرآبی مشاهده نمی‌شود.

۳-۳-۴. مدیریت پایدار آب

حفر چاه‌های عمیق از ۶۰ سال قبل موجب بحران آب‌های زیر-زمینی و موج سدسازی در ۲۰ سال گذشته منابع آب سطحی را با بحران جدی مواجه کرده است» (طالشی و دیگران، ۱۳۹۷). عدم پلمپ چاه‌های موجود، عدم پیش‌بینی چاه ایزومتری برای ذخیره روان آب‌ها، میزان بهره‌برداری از سدهای حامی و دبی رودخانه، مدیریت علمی آبیاری، از جمله چالش‌های پیش روی مدیریت پایدار آب کشاورزی در این اراضی است.

رهیافت‌های ترویجی

زمین، کشاورزی و آب استعدادهای پراهمیتی هستند. روستا نیز کانون و شالوده اجتماع است. از این‌روی، روستائیان در بهره‌برداری آب کشاورزی پیش از همه و بیش از همه در اولویت می‌باشند. استحقاق روستائیان به آب کشاورزی در گرو دسترسی آنان به آب-های عمومی است ولی نظام بهره‌برداری آب‌های عمومی در کشور ما از دیدگاه‌های پراکنده‌ای تبعیت دارد. حقوق روستائیان در آب کشاورزی از مبانی حقوقی ضعیف رنج می‌برد. یعنی فقه مالکیت بر آب، نظام‌مند نیست، قانون اساسی در مالکیت آب‌های عمومی راهبرد مشخصی ندارد، قانون برنامه‌های توسعه در رابطه با قوانین خصوصی آب و اولویت آب کشاورزی در روستاها فاقد ضابطه است و قوانین جاری درباره مدیریت آب کشاورزی مشتت می‌باشد. در خصوص جمعیت روستا، مکان روستا، وسعت ملک، استحقاق مالک، وضعیت اقتصادی زمین هیچ‌گونه اولویت و ترتیبی در نظام حقوقی ایران مشاهده نمی‌شود. ساختار مالکیت در ایران، چندگانه و محل اختلاف است. مالکیت مشروع و نامحدود، خرد شدن اراضی، سند مالکیت رسمی، تنوع و تمیزی و واگذاری اراضی از چالش‌های عمده مالکیت بر اراضی کشاورزی و طبعاً مالکیت عادلانه بر آب کشاورزی است. توزیع عادلانه آب کشاورزی در گرو اعمال سیاست‌های عالمانه و منطقی دولت است ولی سیاست دولت در این باره نیز مقطعی و حساب‌نشده است. به‌طوری‌که در تاریخ توسعه روستاها از میان طرح‌های توسعه روستایی نامی از طرح آبیاری کشاورزی دیده نمی‌شود. در خصوص آب کشاورزی روستای برمامیون نیز چاه‌های آبی موجود، عدم پیش‌بینی چاه ایزومتری برای ذخیره رواناب‌ها، سقف استحصال آب از سدها و رودخانه‌های موجود، از جمله چالش‌های پیشروی مدیریت پایدار آب می‌باشد. بنابراین ایجاد قانون جامع نظام اختصاصی آب کشاورزی پیشنهاد نخست این مقاله است. با ایجاد این قانون می‌توان به چالش‌های بازاری شدن آب، مجانی بودن آب،

مالکیت خصوصی بر آب‌ها، مصرف بی‌رویه آب، عدم اولویت‌گذاری در انتقال آب، فقدان تفکیک حق اولویت از حق تقدم، مشارکت کشاورزان در بهره‌برداری از آب کشاورزی، حقوق کشاورزان به‌ویژه حق آگاهی و دسترسی آنان به اطلاعات و مدیریت پایدار آب سامان بخشید. امکان تجدیدنظر در مالکیت مشروع نامحدود، قانون ارث، مالکیت ناعادلانه، خرد شدن اراضی کشاورزی، سند مالکیت رسمی و مدیریت مبهم تمیزی و واگذاری اراضی از دیگر فواید این رهیافت است. پیشنهاد دوم این مقاله دموکراتیزه کردن نظام اداری ایران است. با اصلاح قوانین اداری و امکان انتخاب، نظارت و عزل مدیران و رؤسای ادارات مختلف محلی به‌وسیله جامعه نخبگان منتخب مردم محل می‌توان از تصمیمات و برداشت‌های نادرست نمایندگان قانون‌گذار در کنترل و قبضه کردن قاطبه امور اداری و سیاسی شدن مقامات اداری، از جمله حکمرانی نامطلوب آب جلوگیری نمود.

مراجع

- احمدی، م. و بدیسار، ن. ۱۳۹۵. حق بر آب در نظام بین‌المللی حقوق بشر. حقوق محیط‌زیست، ۲: ۵۰-۳۸.
- احمدیان م. ۱۳۹۶. اسلام و حقوق شهروندی و ضمانت‌های اجرایی آن. کلیات. نشر احسان، ۲۱.
- ازکیا، م. و رستمعلی زاده، و. ۱۳۹۳. جنبه‌های اجتماعی نظام آبیاری در ایران. انسان‌شناسی، ۲۱ (۱۱-۴۳).
- اسماعیلی، م. رحیمی، ا. ۱۳۹۷. ماهیت اموال خارج از حاکمیت دولت‌ها از منظر فقه امامیه. حقوق اسلامی، ۵۷ (۷-۴۲).
- افراخته، ح. و حجی پور، م. ۱۳۹۲. خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی. جغرافیا، ۳۹ (۱۵۸-۱۸۵).
- افشار، ز. ۱۳۸۵. سود پایین پیامد کوچک شدن اراضی. روزنامه ایران، ۳۵۱۰. چهارشنبه ۸ آذر.
- الحرانی ا. ۱۳۸۲. تحف العقول؛ ترجمه صادق حسن‌زاده. ۱. انفال، ۱۵ امیری، ع؛ و جمشیدی، ا. ۱۳۹۸. مطالعات حقوق بررسی حقوقی اصلاحات ارضی و نتایج آن پیش از پیروزی انقلاب و پس‌از آن. ۳۰ (۱-۱۰).
- اندیشکده تدبیر آب ایران. ۱۳۹۶. قانون جامع آب؛ بایسته‌ها و مؤلفه‌ها. ۱. دبیرخانه اندیشکده.
- ایران‌منش م. ۱۳۹۴. مفهوم شهروندی. ۱. پیش‌گفتار. نگاه معاصر، ۴۲.
- بروجدی ح. ۱۳۹۲. منابع فقه شیعه. ج ۲۳. ۱. فرهنگ سبز.

بلالی، م. کتولارتز، ژ و کورتهازلز، م. ۱۳۸۹. مدیریت بازتابی اراضی و آب در ایران. ارتباط فناوری، حکمرانی و فرهنگ. پژوهش آب در کشاورزی. ۲ (۷۳-۹۷).

بیات، پ، ص. م، ک، ا، ب، م. و ک، ع. ۱۳۹۴. مفهوم نهاد آب و نگاهی به تجربه اصلاحات نهاد آب در سایر کشورها. سیاست‌های راهبردی و کلان. ۱۱ (۱۱۵-۱۳۸).

تاتار، م. ع، پ، و احمدوند، م. ۱۳۹۷. مدیریت تضاد آب کشاورزی در حوزه آبخیز گاوشان. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. ۱ (۹۱-۱۱۱).

چلبی، ف، م، ق و آقاپور، ک. ۱۳۹۶. تحلیلی بر جایگاه نظم عمومی در نظام حقوقی ایران. قضاوت. ۹۱ (۸۹-۱۲۰).

جعفری ندوشن، ع. ۱۳۹۵. تعادل بخشی منابع آب در پرتو تعدیل مالکیت خصوصی حق بهره‌برداری. مطالعات حقوق انرژی. ۱ (۵۰-۳۱).

جمالی، ص. ۱۳۹۶. اصول حقوقی حاکم بر حکمرانی آب و خلأهای آن در نظام حقوقی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

حاتمی، ع، نوربخش، س. ۱۳۹۸. بازسازی معنایی بحران آب در شرق اصفهان بر اساس نظریه زمینه‌ای. جامعه‌شناسی کاربردی. ۱ (۱۲۳-۱۴۲).

حسینی بهشتی، م. ۱۳۷۲. شناخت نظام تعاون در ایران. تعاون. ۲۲ (۶-۹).

حیدری، ن. ۱۳۹۳. ارزیابی شاخص بهره‌وری آب کشاورزی و عملکرد سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریت آب کشور در این زمینه. مجلس و راهبرد. ۱۷ (۱۷۷-۱۹۹).

خمینی ر. ۱۳۶۸-۱۲۷۹. حکومت اسلامی و ولایت فقیه. ج. ۵. نشر آثار امام خمینی.

رضایی، پ، قهرمانی، ن. ۱۳۹۵. اثرات پراکندگی و خرد شدن اراضی کشاورزی بر اقتصاد روستایی. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۴ (۱۲۳-۱۴۰).

رضایی زاده، م، احمدی، ی. ۱۳۸۸. مبانی حق دسترسی شهروندان به اسناد و اطلاعات دولتی. حقوق و علوم سیاسی. ۴ (۱۳-۳۴).

رحیمی سوره ص.، ۱۳۹۳. تحلیل مدیریت آب کشاورزی و راهکارهای بهینه. ماهنامه غدک. ۲ (۱۰-۲۷).

روح الامینی م. ۱۳۹۷. آسیب‌شناسی قوانین ایران در قبال صیانت و حفظ منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی. مطالعات حقوق انرژی. ۱ (۶۱-۹۰).

زارعی، م، بهنیا، م. ۱۳۹۰. تأملی بر امکان اعمال اصل انتظار مشروع در دیوان عدالت اداری. راهبرد. ۶۱ (۱۵۳-۱۸۹).

ساردوئی نسب، م. ۱۳۸۸. نگرشی بر مبانی نظری حقوق تعاون در ایران. حقوق خصوصی. ۱۵ (۱۲۹-۱۶۰).

سازمان امور اراضی. ۱۳۸۱. مجموعه قوانین و مقررات اصلاحات ارضی. جزوه آموزشی. ۱ (۸۴-۱).

سجاسی قیداری، ح، صادقلو، ط. و شکوری فرد. ۱۳۹۵. سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار. پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی. ۱ (۱۹۷-۲۱۵).

صادقی، ح، آسایش، ح. ۱۳۹۵. تشکیل بازار آب از دیدگاه اقتصاد اسلامی. اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۱۵ (۷۱-۹۲).

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۶۴. ج. ۱، مجلس شورای اسلامی. ۱.

طالب، م. ۱۳۷۴. طرحی برای مدیریت روستایی. تحقیقات جغرافیایی. ۳۹ (۳-۲۳).

طالشی، م. و کفاش، ح. ۱۳۹۷. تأثیر سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری دولت در کاهش اثرات بحران آب در مناطق خشک و نیمه‌خشک. منابع طبیعی ایران. ۱ (۱۳۳-۱۵۷).

طباطبایی م. ۱۳۹۰. تفسیر المیزان ج ۲. ترجمه باقر موسوی همدانی. حوزه علمیه قم. ۵.

عباسی، ر. ۱۳۹۵. بررسی ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در صیانت از اراضی ملی. مرکز تحقیقات منابع آب دانشگاه شهرکرد (۱-۱۶).

عسگری، ر، محمودی، س. ۱۳۹۱. نقش کشاورزی پایدار و سلامت آگرواکوسیستم‌ها در توسعه روستایی پایدار. همایش ملی توسعه روستایی. رشت. دانشگاه گیلان.

غفاری، غ. ۱۳۸۳. ساختار اجتماعی جامعه روستایی ایران. نامه پژوهش فرهنگی. ۹ (۱۲۱-۱۴۶).

فراهانی فرد، س. ۱۳۸۵. بهره‌برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام. اقتصاد اسلامی. ۲۱ (۱۳-۴۴).

فریادی، م. ۱۳۹۷. نقش حقوق عمومی در کنترل مصرف آب. مطالعات حقوقی. ۱ (۱۶۱-۱۹۷).

قائمی، آ. ۱۳۹۵. تدوین الگوی آموزش محیط‌زیست برای تقویت حکمرانی پایدار منابع آب کشور با تأکید بر مشارکت‌های مردمی. مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی. ۲ (۱۳۳-۱۵۷).

کریمی، ع. ۱۳۷۸. مالکیت دولت نسبت به آب‌های عمومی و اراضی وابسته به آن. حقوق و علوم سیاسی تهران. ۱ (۵۹-۶۷).

محمدی دینانی، م، مولایی، ی، و محمدابراهیم، ب. ۱۳۹۷. اصل بهره‌برداری معقول از منابع آب در حقوق بین‌الملل آب و رویه مورد عمل در ایران. مطالعات حقوق عمومی. ۳ (۵۶۹-۵۸۱).

محمدی نژاد ق، و صلاحی کجور، م. ۱۳۹۳. بهره‌مندی از اراضی بایر راهی برای توسعه اشتغال و تولید ثروت در مسیر پیشرفت منصف. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. ۳ (۱-۹).

مرادی طادی، م. ۱۳۹۶. آب و سیاست؛ نگاهی به فرایند سیاسی شدن آب. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. ۴ (۷۱-۹۰).

بلالی، م. کتولارتز، ژ و کورتهازلز، م. ۱۳۸۹. مدیریت بازتابی اراضی و آب در ایران. ارتباط فناوری، حکمرانی و فرهنگ. پژوهش آب در کشاورزی. ۲ (۷۳-۹۷).

بیات، پ، ص. م، ک، ا، ب، م. و ک، ع. ۱۳۹۴. مفهوم نهاد آب و نگاهی به تجربه اصلاحات نهاد آب در سایر کشورها. سیاست‌های راهبردی و کلان. ۱۱ (۱۱۵-۱۳۸).

تاتار، م. ع، پ، و احمدوند، م. ۱۳۹۷. مدیریت تضاد آب کشاورزی در حوزه آبخیز گاوشان. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. ۱ (۹۱-۱۱۱).

چلبی، ف، م، ق و آقاپور، ک. ۱۳۹۶. تحلیلی بر جایگاه نظم عمومی در نظام حقوقی ایران. قضاوت. ۹۱ (۸۹-۱۲۰).

جعفری ندوشن، ع. ۱۳۹۵. تعادل بخشی منابع آب در پرتو تعدیل مالکیت خصوصی حق بهره‌برداری. مطالعات حقوق انرژی. ۱ (۵۰-۳۱).

جمالی، ص. ۱۳۹۶. اصول حقوقی حاکم بر حکمرانی آب و خلأهای آن در نظام حقوقی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

حاتمی، ع، نوربخش، س. ۱۳۹۸. بازسازی معنایی بحران آب در شرق اصفهان بر اساس نظریه زمینه‌ای. جامعه‌شناسی کاربردی. ۱ (۱۲۳-۱۴۲).

حسینی بهشتی، م. ۱۳۷۲. شناخت نظام تعاون در ایران. تعاون. ۲۲ (۶-۹).

حیدری، ن. ۱۳۹۳. ارزیابی شاخص بهره‌وری آب کشاورزی و عملکرد سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریت آب کشور در این زمینه. مجلس و راهبرد. ۱۷ (۱۷۷-۱۹۹).

خمینی ر. ۱۳۶۸-۱۲۷۹. حکومت اسلامی و ولایت فقیه. ج. ۵. نشر آثار امام خمینی.

رضایی، پ، قهرمانی، ن. ۱۳۹۵. اثرات پراکندگی و خرد شدن اراضی کشاورزی بر اقتصاد روستایی. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۴ (۱۲۳-۱۴۰).

رضایی زاده، م، احمدی، ی. ۱۳۸۸. مبانی حق دسترسی شهروندان به اسناد و اطلاعات دولتی. حقوق و علوم سیاسی. ۴ (۱۳-۳۴).

رحیمی سوره ص.، ۱۳۹۳. تحلیل مدیریت آب کشاورزی و راهکارهای بهینه. ماهنامه غدک. ۲ (۱۰-۲۷).

روح الامینی م. ۱۳۹۷. آسیب‌شناسی قوانین ایران در قبال صیانت و حفظ منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی. مطالعات حقوق انرژی. ۱ (۶۱-۹۰).

زارعی، م، بهنیا، م. ۱۳۹۰. تأملی بر امکان اعمال اصل انتظار مشروع در دیوان عدالت اداری. راهبرد. ۶۱ (۱۵۳-۱۸۹).

ساردوئی نسب، م. ۱۳۸۸. نگرشی بر مبانی نظری حقوق تعاون در ایران. حقوق خصوصی. ۱۵ (۱۲۹-۱۶۰).

- مرسلی، ا.، حیدری، ن.، زارع، ع. و ح.، ج. ۱۳۹۷. مدل‌سازی تأثیر عوامل زیرساختی در ارتقاء بهره‌وری آب کشاورزی ایران. پژوهش آب در کشاورزی. ج ۳۲، ۲. (۹۰-۷۱).
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۱. بررسی تطبیقی و آسیب‌شناسی ساختار حاکمیتی مدیریت آب در ایران و ارائه ساختار مطلوب.
- مطیعی لنگرودی، ح. ۱۳۹۰. تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۷۸. (۶۷-۸۳).
- مظفری، خ.، ح.، و ایزدی فر، ع. ۱۳۹۸. مبان‌ی و منابع حقوقی واگذاری اراضی ملی به بخش خصوصی در عرصه کشاورزی. حقوق اداری. ۱۹. (۲۶۳-۲۳۹).
- ملایی توانی، ع. ۱۳۸۲. مبان‌ی اقتصادی حکومت اسلامی. کتاب ماه. ۷۳ و ۷۴. (۶۷-۶۳).
- منان رئیس‌ی، م. ۱۳۹۵. واکاوی تمایز ماهوی مدینه (شهر) و قریه (روستا) در ادبیات قرآنی. باغ نظر. ۴۰. (۲۶-۱۹).
- منتظر قائم، م. ۱۳۹۳. حقوق شرعی فقرا. دیدگاه‌های حقوق قضایی. ۶۷. (۱۶۵-۱۹۲).
- منصوریان، م. ۱۳۹۴. شرح مبسوط قانون اساسی. شرح اصل ۴۴ قانون اساسی. پژوهشکده شورای نگهبان.
- مهوری، م. ۱۳۸۰. حفظ نظام (۱). حکومت اسلامی. ۲۰. (۱۰۴-۱۴۲).
- میرمحمدصادقی، ح. رجبعلی، ا. ۱۳۹۶. تحلیل جرم زمین‌خواری از منظر حقوق کیفری ایران. حقوقی دادگستری. ۹۷. (۷۷-۵۳).
- نسوان بیگی، ح. ۱۳۷۶. اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی ایران. ۱۵ خرداد. ۲۵. (۵۷-۸۰).
- نوروزی، ق. ۱۳۹۷. تأملی بر چالش‌های حقوقی مالکیت آب در حوزه زاینده‌رود از منظر حقوق عمومی. مطالعات حقوق عمومی. ۴. (۸۶۷-۸۸۶).
- ورعی ج. ۱۳۸۵. مبان‌ی و مستندات قانون اساسی به روایت قانون‌گذار. دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری. ۱.
- ویژه، م. ۱۳۸۳. مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین. حقوق اساسی. ۲. (۲۵۲-۲۱۳).
- هاشمی شاهرودی، م. ۱۳۸۵. شورای تأمین استان اصفهان. نشریه سند سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور. ۱۹. (۳).
- هداوند م. ۱۳۹۴. حقوق اداری تطبیقی، ج ۲. ۵. نشر سمت.
- همایون، م. ۱۳۹۴. ملک عظیم. مهدویت و تمدن در قرآن کریم. مشرق موعود. ۳۴. (۱۱-۵).

Challenges of Rural Rights in Agricultural Water (Looking at the Agricultural Water Project of Barmayoon Village in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad Province)

N. Riahi¹

Abstract

The village, after the family, is the most important center of life, the foundation of society and the center of agricultural activity and production. Our country also relies on agricultural products and agriculture creates a value or a basic right for the villagers. Therefore, the villagers are entitled to the use of agricultural water first and foremost and in the first place. Therefore, this research has been done by descriptive-analytical method and data gathering by documentary method and in some cases it has been surveyed with the aim of whether the rights of villagers and peasants in agricultural water have a scientific, rational, impartial and equitable status. The overall conclusion of the study is that in the present situation, the rights of peasants in agricultural water suffer from conflicting principles and policies and do not support its clear customary and religious laws. As a result, the rights of the villagers to agricultural water are not systematic and targeted. The national agricultural water project in Barmayoun village is also in line with the government's future policy and election promises. The solution of this article is firstly to create a comprehensive law on the system of rural agricultural water, and then to democratize the Iranian administrative system, namely the election, supervision and dismissal of various local administrations and heads by the elite community of local people.

Keywords: Water rights, Government policy, Barmayoon village, land ownership.

¹Ph.D. Student, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Azad of Shiraz, Gachsaran official enforcement official, Iran. (*Corresponding Author, n_riahy@yahoo.com)

Received: 3 March 2020

Accepted: 16 March 2020

